

## ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری ایران و تعارض‌های آن با اسناد بین‌المللی

عبدالعلی توجهی\*  
مهدی قربانی قلجلو\*\*

### چکیده

اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف، امروزه به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه شناخته شده و از تضمین‌های بنیادین حقوق متهم و محکوم‌علیه به شمار می‌رود. در بیانی خلاصه، مفهوم فراملی اصل مذکور، جلوگیری از تعقیب، محاکمه و مجازات متهم در محاکم کشورهای مختلف به دلیل ارتکاب رفتار مجرمانه واحد (یا یک عنوان مجرمانه خاص) است. این اصل ریشه در پذیرش اثر سلبی (منفی) احکام کیفری خارجی دارد و ملهم از یکی از اهداف مهم حقوق کیفری بین‌المللی، یعنی جلوگیری از مجازات مکرر و مجدد متهم برای عمل مجرمانه واحد است.

مفهوم اصل مذکور در اسناد بین‌المللی از اوایل قرن بیستم مطرح و به تدریج در قرن بیست و یکم در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پیش‌بینی شد و توسعه و تکامل یافت. در حقوق کیفری کشورها نیز مسأله مجازات مضاعف با رویکرد ممنوعیت مطلق یا مشروط آن، در سطوح مختلف قانونگذاری، اعم از فرا تقنینی (قانون اساسی) و قانون داخلی مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان، قانونگذار ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با تصویب برخی قوانین داخلی و الحاق به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی، منع مجازات مضاعف را با شرایطی مورد پذیرش قرار داده بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگرشی با جهت‌گیری نفی پذیرش اصل یادشده قوت گرفت. قانونگذار با تصویب قوانین مجازات اسلامی، با اعتقاد به تعارض برخی قواعد و اصول فقهی با مبانی منع محاکمه و مجازات مضاعف در دکتین حقوقی بین‌المللی، برخی مقررات سابق در این خصوص را حذف و اصلاح کرد. لذا با ایجاد بستر محاکمه و مجازات مجدد مرتکب برای عمل مجرمانه واحد

\*. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

ghorbaani.mahdi@gmail.com

\*\* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

در حقوق ایران، تعارض‌هایی با سیاست‌های اتخاذ شده در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی پدید آمد؛ اما دیری نپایید که این موضع قانونگذار نیز در دهه هشتاد شمسی با تصویب موافقتنامه‌های معاضدت قضایی با چند کشور منطقه و در دهه نود با تدوین لایحه جدید مجازات اسلامی، دچار تغییرات قابل توجهی شد.

در این مقاله نگارندگان با مرور اجمالی مفاهیم اصل مذکور، به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی، رویکرد ممنوعیت مجازات مضاعف در اسناد بین‌المللی (به معنای خاص) را تبیین می‌کنند. سپس فراز و نشیب‌های قانونگذاری در ایران در این خصوص به تفکیک در ادوار قبل و بعد از انقلاب اسلامی را بازگو کرده و تعارض‌های آن‌ها را با رویکرد اسناد بین‌المللی به این موضوع به تصویر می‌کشند و در پایان، تعارض‌ها را با اتخاذ تدابیری قابل تقلیل می‌دانند.

**واژگان کلیدی:** اصل ممنوعیت محاکمه مضاعف، دادرسی منصفانه، منع مجازات مجدد، اثر منفی (سلبی) احکام محاکم خارجی، اصل صلاحیت شخصی، اعتبار امر مختوم کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری ایران، موافقتنامه‌های معاضدت قضایی دوجانبه

## مقدمه

نقض هنجارها و ارزش‌های اساسی هر جامعه که مورد توجه قانونگذار قرار می‌گیرد و جرم‌انگاری می‌شود، علی‌الاصول حق یک بار تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم را به حاکمیت و دستگاه قضایی اعطا می‌کند؛ لکن تلاقی و تعارض مثبت صلاحیت‌های کیفری چند کشور، گاه موجبات تعقیب و محاکمه مجدد (مضاعف) مرتکب به دلیل ارتکاب جرم واحد را فراهم می‌آورد. این موجبات گاه تا بدان حد است که محدودیت یا نقض حقوق اساسی متهم و به مخاطره افکندن اصول دادرسی منصفانه را در پی دارد. در این میان، وضع و پذیرش اصلی که مفاد آن، تعدد در محاکمه و مجازات را به دلیل عمل مجرمانه واحد، منع یا شرایط و ترتیبات آن را تعدیل کند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. اصل مزبور که امروزه از آن به منع محاکمه و مجازات مضاعف<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود، دارای دو مفهوم داخلی و فراملی است. لکن قبل از بیان مفاهیم مذکور، توضیحی در باره لفظ و واژه مجازات مضاعف لازم به نظر می‌رسد.

در بدو امر عبارت مجازات مضاعف بخصوص برای خوانندگان این مقاله که با الفاظ و عبارات حقوق جزای ایران و قوانین مجازات اسلامی آشنایی دارند، ممکن است تداعی‌گر معنای مجازات مشدد یا کیفر تشدید شده باشد، لکن آنچه در این مقاله از عبارت مجازات مضاعف مورد نظر است، معادل عبارت انگلیسی double jeopardy<sup>۲</sup> و عبارت فرانسوی double peine<sup>۳</sup> یا

1. ne (non) bis in idem.

۲. توضیح جرارد کانوی درخصوص ریشه این اصطلاح جالب توجه به نظر می‌رسد:

double punishment است که مفهوم کلی مجازات دوباره یا مجدد مرتکب را به سبب عمل مجرمانه واحد افاده می‌کند.

با این توضیح، مفهوم داخلی مجازات مجدد را چنین می‌توان بیان کرد که در حقوق جزای داخلی، چنانچه مرتکب به دلیل ارتکاب رفتار مجرمانه‌ای مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرد، طبعاً پس از صدور حکم قطعی، مجازات در مورد وی اجرا می‌شود. حال اگر مجدداً به دلیل ارتکاب همان عمل، تعقیب و در دادگاه دیگری در قلمرو همان کشور یا حاکمیت، محاکمه و مجازات دیگری بر او تحمیل شود، این محاکمه و مجازات جدید و دوباره، همان مفهوم محاکمه و مجازات مضاعف در حقوق کیفری داخلی را دارد. در حال حاضر، این مفهوم و لزوم نفی آن در حقوق کیفری داخلی، بدیهی به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر مرتکب، مطابق قوانین کیفری و در دادگاه داخلی واجد صلاحیت، مورد تعقیب و محاکمه واقع و متعاقباً مجرم تشخیص و محکوم به تحمل کیفر یا کیفرهایی گردد و حکم مزبور قطعیت یابد و اعمال شود، محاکمه مجدد او در همان دادگاه داخلی یا دادگاه داخلی دیگر و اعمال مجدد همان نوع مجازات یا مجازات دیگر بر متهم به دلیل همان عمل مجرمانه موجبی ندارد و دور از عدالت قضایی و انصاف است. ضمن این که با اصولی مانند اعتبار امر مختوم کیفری، حقوق متهم و محکوم علیه و ... تعارض پیدا می‌کند و اصولاً امری عبث و در منظر آحاد مردم و حتی افراد غیر متخصص در زمینه حقوق کیفری نیز غیرمنطقی و نامعقول به شمار می‌آید. لذا در حال حاضر، به دلیل پیدایش و استقرار کامل مفاهیمی مانند اعتبار امر مختوم کیفری و یکپارچگی نظام قضایی در کشورها به طور اخص، مفهوم مجازات مجدد به معنای مطرح در حقوق داخلی، بدیهی و پرداختن به آن تا حد زیادی فاقد موضوعیت شده و مفهوم غالب مجازات مضاعف، مفهوم فراملی آن به شمار می‌رود که در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی موضوع بحث است.

همین مفهوم بدیهی مجازات مضاعف و منع اعمال آن در حقوق داخلی، در حقوق کیفری بین‌المللی و در میان اصول متعدد و به‌ظاهر متعارضی مانند حاکمیت مستقل کشورها و وضع و اعمال مستقل و جداگانه قوانین کیفری (بدون این که خود را ملزم به توجه به شرایط و قوانین سایر کشورها بدانند)، فقدان اصول رفع و حل تعارض در قوانین کیفری، و پذیرش اصل صلاحیت

---

"The phrase is derived from the Roman law maxim nemo bis vexari pro una et eadem causa (a person shall not be twice vexed or tried for the same cause). The term "double jeopardy" is derived from the wording of the Fifth Amendment to the Constitution of the United States of America, which states, inter alia, "[N]or shall any person be subject for the same offence to be twice put in jeopardy of life or limb": Gerard Conway, "ne bis in idem and the international criminal tribunals", *Criminal Law Forum* vol. 14, 2003.

شخصی توسط تعداد قابل توجهی از دولت‌ها به موازات اصل صلاحیت سرزمینی، سبب می‌شود احتمال وقوع و اعمال مسأله محاکمه و مجازات مضاعف بر مرتکب، مفهوم دور از ذهنی نباشد و حداقل به مثابه امری ممکن برای اتباع خارجی یک کشور، به لحاظ لزوم حمایت قضایی از اتباع، مورد توجه جدی‌تری قرار گیرد؛ زیرا متعاقب احراز یکی از اصول صلاحیتی (اغلب اصل صلاحیت شخصی و به عنوان مثال توسط کشور متبوع مرتکب) و به رغم یک نوبت محاکمه قبلی وی در کشور خارجی که دادگاه‌های آن به موجب یکی از اصول صلاحیت کیفری (از قبیل صلاحیت سرزمینی) خود را صالح به تعقیب و رسیدگی به جرم ارتكابی دانسته، حکم به کیفر متهم و اعمال آن در همان کشور خارجی صادر کرده‌اند، محاکمه مجدد صورت می‌گیرد و متعاقب صدور حکم قطعی در خصوص همان مجرم به خاطر همان عمل مجرمانه، مجازات مضاعف بر محکوم قابل اعمال است.

با این توضیح، مفهوم فراملی اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف عبارت است از جلوگیری از تعقیب، محاکمه و کیفر متهم در دادگاه‌های کشورهای مختلف به لحاظ ارتكاب رفتار مجرمانه واحد (یا به تعبیر دیگر به دلیل ارتكاب یک عنوان مجرمانه خاص). این مفهوم از اصل یادشده، ریشه در پذیرش اعتبار امر مختوم کیفری بین‌المللی و اثر سلبی (منفی) احکام کیفری خارجی دارد. جریان رو به گسترش زمینه‌های اعمال محاکمه و مجازات مضاعف به لحاظ شرایط جامعه بین‌المللی و تعارض‌های به وجود آمده میان صلاحیت دادگاه‌های ملی کشورها و همچنین دیوان کیفری بین‌المللی، ضرورت تبیین مفهوم و جایگاه اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف را به منظور اتخاذ تصمیم دولت‌ها در پذیرش مطلق یا مشروط اصل مذکور یا رد آن، دوچندان می‌کند.

خاستگاه این مفهوم از اصل مذکور را می‌توان در اهداف حقوق کیفری بین‌المللی در عرصه و قلمرو جامعه بین‌المللی که عمدتاً در پی تأمین دو هدف عمده است، جستجو کرد. یکی از این اهداف، جلوگیری از «بی‌کیفرمانی» بزهکاران و هدف دوم جلوگیری از مجازات‌های مکرر و مضاعف بزهکاران به دلیل ارتكاب عمل مجرمانه واحد است.<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup> طبعاً به همان میزان که نیل به هدف اول در حوزه مسائل مربوط به حقوق کیفری بین‌المللی مطرح و قابل توجه است، نیل به هدف دوم نیز مهم و حائز اهمیت است.

---

3. Rahmdel Mansour, "The Ne Bis in Idem Rule in Iranian Criminal Law", *Journal of Financial Crime*, Vol 11, No 3, 2004, p277-278.

۴. پوربافرانی، حسن، «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ش ۱۲، سال چهارم، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۳.

هدف اول، به لحاظ اتفاق نظر دولت‌ها، اشخاص و آحاد جامعه در لزوم تعیین و اعمال کیفر در مقابل رفتار مجرمانه بزهکار، از دیرباز و با فلسفه و انگیزه‌های مختلف کیفر در مکاتب، دیدگاه‌ها و جوامع مختلف اعم از انتقام، مقابله به مثل، سزادهی، ارباب، اصلاح و اعاده و احیای نظم مختل شده در اثر ارتکاب جرم به جامعه، جلوگیری از تکرار جرم و غیره، به توجیه و تبیین کم‌تری نیاز داشته و دارد و بیش‌تر قابل درک است.<sup>۵</sup>

لکن هدف دوم، با عنایت به طرح مسائلی از قبیل لزوم رعایت حقوق متهم، اصول و قواعد مربوط به حقوق بشر، دادرسی عادلانه و قرابت و انطباق موضوع با انصاف و عدالت و از دیگر سو حاکمیت دولت‌ها و وابستگی و گره خوردن اعمال حاکمیت دولت‌ها با اعمال قوانین جزایی خود و اعمال این قوانین - بدون توجه به قوانین و مقررات سایر دولت‌ها -، اختیار دولت‌ها در اعمال اصل صلاحیت شخصی و ملازمه صلاحیت تقنینی و قضایی در عرصه حقوق جزا و پرهیز از تعارض قوانین برخلاف حقوق بین‌الملل خصوصی و ایجاد تعارضاتی میان این اصول و قواعد و ابعاد مختلف موضوع، حساس و مهم‌تر است و تبیین آن نیز ضروری به نظر می‌رسد.

بحث و بررسی پیرامون مبانی، آثار و شرایط اعمال ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف،<sup>۶</sup> موضوعی مهم و دقیق است که باید به صورت مجزا مورد بحث و بررسی قرار گیرد و هدف نگارندگان در این مقاله، مرور اجمالی مفهوم اصل مذکور از منظر حقوق داخلی و با تأکید بر تبیین مفهوم آن در حقوق بین‌الملل و جایگاه اصل یادشده در اسناد بین‌المللی و ادوار قانونگذاری ایران، به تفکیک قبل و بعد از انقلاب اسلامی و به تصویر کشیدن موارد تعارض آن‌ها است.

## ۱. مفهوم، خاستگاه و مصادیق فراملی اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف

### ۱-۱. بیان مفهوم و خاستگاه

در مقام واکاوی مفهوم فراملی مجازات مضاعف و متعاقباً اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف، می‌توان گفت که مفهوم فراملی اصل یادشده، ناظر به مجازات‌هایی است که یک یا چند عنصر خارجی و فراملی در موضوع، دخالت و ایفای نقش می‌کنند. این عناصر خارجی، اعم از محل

---

۵. هرچند همین اصل نیز در اندیشه‌های جدید مطرح در حوزه فلسفه کیفر و کیفرشناسی مورد تردید واقع شده و اعمال کیفر، خلاف اصل، معارض با اصل کرامت انسانی و حق آزادی تلقی شده و نیازمند توجیهات مفصل و دقیقی در دو سطح نظری و علمی و سه مرحله تقنین، تعیین کیفر و اجرای کیفر دانسته شده است. برای مطالعه بیش‌تر رجوع کنید به: صفاری، علی، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰ و همچنین کاوادیو، میشل و دیگنان، جیمز، «توجیه یا دلیل آوری برای مجازات ۱ و ۲»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۲ و ۴۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.

6. Zhang Jun, Shan Changzong, Miao Youshui, "China's theory and practice on Ne Bis In Idem ", *International Review of Penal Law*, vol 73, 2005, p. 865-872.

(کشور) ارتکاب جرم، محل محاکمه و صدور حکم قطعی، محل اعمال مجازات، تابعیت مرتکب یا متهم و یا تابعیت مجنی علیه یا بزه دیده و کشور محل دستگیری مرتکب است. ترکیب یک یا چند عنصر از عناصر مذکور که موجب می شود مرتکب به دلیل ارتکاب عمل مجرمانه واحد در معرض حداقل یک یا چند محاکمه و مجازات مجدد قرار گیرد، مفهوم فراملی محاکمه و مجازات مضاعف را تشکیل می دهد. برای ایجاد یک تصور ذهنی نزدیک تر به موضوع، می توان فرضی را تصور کرد که بزهکار، عمل مجرمانه خود را در محلی (کشور «الف» مرتکب شده و در همان کشور محاکمه و مطابق حکم قطعی دادگاه های آن کشور، محکوم به تحمل مجازات یا تبرئه و در صورت محکومیت، مجازات بر وی اعمال می شود. سپس پس از تحمل مجازات (در فرض محکومیت) یا تبرئ شدن به محل دیگری (اعم از کشور متبوع خود یا کشوری دیگر) عزیمت کرده، در آن جا نیز مطابق یکی از اصول چهارگانه صلاحیت کیفری و به دلیل ارتکاب همان رفتار مجرمانه، مجدداً مورد تعقیب واقع و محاکمه و مجازات شود.

برخی از این عناصر، ابتدا در صلاحیت های کیفری و احراز آنها توسط محاکم نقش ایفا و به یک یا چند جهت، محاکم ملی حداقل دو کشور مختلف را واجد صلاحیت رسیدگی مضاعف می کند. اما ممکن است به دلیل حضور یا دستگیری متهم در یک کشور، ابتدا همان کشور اقدام به تعقیب و مجازات یا تبرئه مرتکب کند و متعاقب انتقال یا سفر یا حتی استرداد مرتکب به کشور دومی که دادگاه هایش به موجب اصل صلاحیتی دیگری، صالح به رسیدگی به فعل ارتکاب یافته توسط مرتکب هستند، مجدداً تعقیب و مجازات مرتکب صورت گیرد؛ یا این که هر دو یا چند کشور اقدام به محاکمه مرتکب کرده (احتمالاً یکی از دادگاه ها به صورت حضوری و دادگاه های دیگر به صورت غیابی)، پس از طی فرایند یکی از محاکمه ها (حضوری) و صدور حکم محکومیت یا تبرئه متهم و اعمال مجازات (در فرض محکومیت) و مراجعت به کشور دارای صلاحیت محاکمه دوم با رأی غیابی مواجه شده، فرایند دادرسی مجدداً آغاز یا مجازات موضوع حکم غیابی اعمال شود (در فرض قطعیت حکم). این موارد تنها نمونه های محدودی از موضوع است که صرفاً جهت ایجاد تصویر ذهنی نزدیک از موضوع ذکر شد و اهم حالت ها و مصادیق محاکمه و مجازات مضاعف در ادامه همین مقاله ذکر خواهند شد.

اما اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف از جمله حقوق اساسی متهم و بزهکار در دادرسی است و رعایت آن، لازمه تحقق دادرسی عادلانه به شمار می آید. به موجب این قاعده، محکومی که یک بار به دلیل یک عمل مجرمانه مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گرفت، در کشور متبوع خود یا هر محل دیگری (غیر از محل ارتکاب جرم) به دلیل همان عمل مجرمانه، با شرایطی قابل تعقیب کیفری مجدد و محاکمه نیست.

در واقع، اعمال ممنوعیت مجازات مضاعف، نتیجه و اثر مستقیم اصل منع محاکمه مجدد است. از این اصل در نظام حقوقی رمی - ژرمنی، با عبارت «ne(non) bis in idem» که در زبان لاتین به معنای نفی دو بار تکرار در هر چیز است و در نظام حقوقی کامن لا با اصطلاح «double jeopardy» یاد می‌شود. همچنین در حقوق جزای فرانسه نیز عبارت «la double peine» گویای همین اصل است.

تتبع در متون و پژوهش‌های حقوقی بیانگر آن است که نویسندگان داخلی<sup>۷</sup> و خارجی،<sup>۸</sup> مبانی و کارکردهای مشترک و متعددی را برای منع محاکمه مجدد و منع مجازات مضاعف، از جمله حمایت از حقوق بشر، حفظ تعادل حکومت در قدرت و اختیار مجازات کردن مجرمان و متخلفان، تأمین و ایجاد کارایی و کارآمدی آیین دادرسی و نظریه فرض صحت احکام قضایی صادر شده و همچنین تأمین امنیت قضایی و حقوق شهروندی و لزوم پایان بخشیدن به دعوا و اختلاف و اعتبار امر مختوم کیفری بر شمرده‌اند که به تفصیل قابل بحث و بررسی است. در هر حال، براساس این اصل، هیچ کس را نمی‌توان برای ارتکاب جرم واحد، دو یا چند بار محاکمه و مجازات کرد. اعمال این اصل صرفاً محدود به مرحله اجرای مجازات نیست، بلکه در سراسر فرایند دادرسی، یعنی مرحله تعقیب و محکومیت اعمال مجازات جریان دارد؛ یعنی هر زمان که سابقه محاکمه قبلی مرتکب کشف و برای دادگاه محرز شود یا متهم یا وکیل وی به آن استناد کنند، مسموع و قابل اعتنا است. برخی نویسندگان تفاوتی میان دامنه شمول و جریان این قاعده در سیستم حقوقی رمی - ژرمنی نسبت به کامن لا ذکر کرده‌اند. تفاوت این است که در نظام کامن لا محاکمه مجدد فقط در همان سیستم (نظام) قضایی منع می‌شود، در حالی که اعمال این قاعده در سیستم حقوق نوشته (رمی - ژرمنی)، به معنای منع تعقیب و محاکمه مجدد، چه در آن نظام و چه در نظام‌های قضایی دیگر است.<sup>۹</sup>

دقت در این امر نیز لازم است که این اصل، موجب معافیت مرتکب از مسئولیت کیفری عمل مجرمانه نمی‌شود، بلکه مانعی برای اعمال صلاحیت از سوی دادگاه به شمار می‌آید. به همین لحاظ نیز اصل مزبور در اساسنامه‌های دادگاه‌های ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا و همچنین ذیل فصل دوم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با عنوان «صلاحیت، قابلیت پذیرش و حقوق قابل اجرا» و در قالب ماده ۲۰ آن آمده، نه در فصل سوم تحت عنوان «اصول کلی حقوق جزا» که در آن، موجبات و موارد معافیت از مسئولیت کیفری مورد بحث واقع شده است.<sup>۱۰</sup>

هرچند غالب حقوقدانان، منع محاکمه مجدد و منع مجازات مجدد را تحت عنوان یک اصل واحد و

۷. خالقی، علی، «محتوا و جایگاه قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سمت، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴۱۵ - ۴۱۶.

۸. Zhang Jun, Shan Changzong, Miao Youshui, *op.cit.*, p. 865 - 872 .

۹. میرمحمد صادقی، حسین، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۳، ص ۴۷ - ۴۸.

۱۰. همان، ص ۴۹.

مشترک ذکر کرده‌اند و تفکیک دقیقی میان این دو مفهوم در پژوهش‌های حقوقی دیده نمی‌شود، به لحاظ منطقی و مفهومی این دو مفهوم متمایز از یکدیگر هستند و رابطه میان آن دو نیز رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی منع مجازات مضاعف، جلوگیری از اعمال مجازات مجدد و مکرر بر مجرمی است که پس از نخستین محاکمه و تحمل کیفر قانونی یا شرعی مجدداً محاکمه شده و به موجب دومین حکم قطعی نیز مجرم شناخته شده است. اما قاعده ممنوعیت محاکمه مجدد به طور کلی، منع از انجام این دادرسی مجدد است. لذا در مقام اعمال، اصل منع محاکمه مجدد، مقدم بر اصل منع مجازات مضاعف است و زمانی که منع محاکمه مجدد اعمال شود، نوبت به منع مجازات مضاعف نمی‌رسد.

برخی از حقوقدانان کیفری داخلی و خارجی نیز در آرا و نظرهای خود به این مفهوم پرداخته‌اند. در میان نظرهای حقوقدانان کیفری داخلی، موضوع مجازات مضاعف در خلال بررسی کلی اصل منع محاکمه مضاعف<sup>۱۱</sup> یا اصل منع مجازات مضاعف<sup>۱۲</sup> مطرح شده است. اصل یادشده نوعاً در آثار استادان حقوق جزای ایران نیز ذیل بحث اصل اعتبار امر مختوم کیفری<sup>۱۳</sup> یا قلمرو مکانی اعمال قوانین کیفری یا اصل صلاحیت شخصی مورد اشاره قرار گرفته است. لذا مسأله مجازات مضاعف و رویکردهای منع یا اعمال آن، به طور مستقل مورد بررسی واقع نشده و اصل منع مجازات مضاعف نیز صرفاً به عنوان نتیجه و اثر اصل منع رسیدگی مجدد، به صورت گذرا مطرح شده است. به عنوان نمونه، مؤلف کتاب دادگاه کیفری بین‌المللی در مورد اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف در اساسنامه دادگاه مذکور می‌نویسد: «منع محاکمه و مجازات مضاعف به یکی از حقوق اساسی متهمان مربوط می‌شود که ... بر اساس این قاعده، هیچ کس را نمی‌توان برای ارتکاب جرم واحدی دو بار محاکمه و مجازات کرد».<sup>۱۴</sup> جناب آقای دکتر آشوری نیز در ذیل مبحث «اعتبار امر مختوم کیفری و آثار آن»، به موضوع منع رسیدگی مجدد پرداخته و ضمن بیان اجمالی پیشینه آن، به بیان این مطلب که یک نفر نباید به علت ارتکاب جرم واحد دو بار مورد محاکمه قرار گیرد، بسنده کرده‌اند.<sup>۱۵</sup> نویسنده دیگری، بدون ارائه تعریف مستقلی از مجازات مضاعف، منع مجازات مضاعف را نتیجه اصل منع محاکمه مجدد برای یک عمل واحد بر شمرده است.<sup>۱۶</sup>

---

11. the principle of ne bis in idem

12. prohibition of double jeopardy

13. autorité de la chose jugée

۱۴. میرمحمدصادقی، حسین، پیشین، ص ۴۷.

۱۵. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۱۶. خالقی، علی، پیشین، ص ۴۱۴.



نویسندگان حقوق اروپایی<sup>۱۷</sup> نیز مفهوم مذکور را با عبارات مشابه<sup>۱۸</sup> بیان و تعریف کرده‌اند. همان‌طور که از متن تعاریف مذکور قابل مشاهده است، این تعاریف که بیش‌تر در صدد بیان گذرای مفهوم اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف هستند، در مواردی با ویژگی‌های حقوق کیفری ایران - به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی - که ملهم از احکام شرع انور نیز هست، انطباق کامل ندارند. لذا با الهام از تعاریف یادشده، تعریف زیر از مجازات مضاعف قابل ارائه است: «تعقیب و مجازات مجدد مرتکب پس از صدور حکم قطعی از دادگاه ذیصلاح و تحمل کیفر، به دلیل همان جرم در محل دیگر، بدون توجه به محکومیت و اجرای کیفر قبلی یا برخی معافیت‌های قانونی، مجازات مضاعف نامیده می‌شود». به طور خلاصه، ویژگی‌های این تعریف را می‌توان قطعیت نخستین حکم صادر شده در خصوص مرتکب، ذیصلاح بودن دادگاه صادرکننده حکم نخستین، تحمل کیفر نخستین، تعقیب دوباره به دلیل ارتکاب همان جرم در محلی دیگر، نادیده انگاشتن سابقه محکومیت و اجرای کیفر نخستین یا برخی معافیت‌های قانونی از جمله عفو که از استثناهای اصل منع محاکمه و کیفر مضاعف است، بیان کرد؛ ضمن این‌که تعریف اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف نیز جلوگیری از اعمال چنین محاکمه و مجازاتی خواهد بود.

## ۲-۱. بیان مصادیق

برای تبیین دقیق مفهوم فراملی مجازات مضاعف، ذکر برخی از نمونه‌ها و مصادیق تحقق بستر و زمینه اعمال آن ضروری به نظر می‌رسد. برای نمونه، هنگامی که یک تبعه خارج از قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود، مرتکب عمل مجرمانه شود، از یک سو، دادگاه‌های محل ارتکاب جرم به استناد صلاحیت سرزمینی، در تعقیب جرم و رسیدگی به آن صلاحیت خواهند داشت و از سوی دیگر، دولت متبوع متهم براساس اصل صلاحیت شخصی (مبتنی بر تابعیت مرتکب)، صالح به رسیدگی است. چنانچه جمع این دو صلاحیت، منجر به رسیدگی و صدور حکم قطعی و اعمال مجازات دیگری (در فرض محکومیت)، به خاطر همان عمل مجرمانه شود، مجازات مضاعف در مفهوم فراملی آن حادث شده است.

به عنوان نمونه دیگر، می‌توان به جرائم ارتكابی در مکان‌های خاصی مانند هواپیما اشاره کرد.

---

17. Hans-Jürgen BARTSCH, "NE BIS IN IDEM: THE EUROPEAN PERSPECTIVE", *International Review of Penal Law* Vol. 73, P1163; Gerard Conway, "Ne bis in idem in international law", *International Criminal Law Review*, vol. 3, 2003, P220.

18. *Ibid.*: "not to be tried or punished twice for the same offence, regardless of the jurisdiction in which he had been subjected to criminal proceedings."

در این گونه جرائم، مطابق مقررات کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوایمایی کشوری (مصوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ مونترال)، چنانچه بزه‌دیده از اتباع آن کشور باشد، محاکم کشوری که هوایما متعلق به آن است، صلاحیت تعقیب و محاکمه مجرم را خواهند داشت. از آن جا که دولت ایران به کنوانسیون مذکور ملحق شده است<sup>۱۹</sup> و در بند «ب» ماده ۳۱ قانون هوایمایی کشوری<sup>۲۰</sup> نیز صراحتاً به صلاحیت دادگاه‌های ایرانی در رسیدگی به جرمی که در یک هوایمای خارجی در حین پرواز ارتکاب می‌یابد، به شرط آن که متهم یا مجنی‌علیه ایرانی باشد، اشاره شده است، این شرایط می‌تواند زمینه اعمال مجازات مضاعف را فراهم کند.

به عنوان نمونه سوم می‌توان به نظام قضایی کشورهایمانند فرانسه که اصل صلاحیت شخصی را هم به اعتبار بزهکار و هم به اعتبار بزه‌دیده پذیرفته‌اند، اشاره کرد. در این کشورها رابطه تابعیت بزه‌دیده نیز موجب ایجاد صلاحیت برای دادگاه‌های دولت متبوع در رسیدگی به جرمی است که بزهکار علیه بزه‌دیده انجام داده است. لذا بزهکار ممکن است هم با تعقیب و محاکمه و اعمال مجازات از سوی این دولت‌ها و هم با اعمال اصل صلاحیت شخصی از سوی دولت متبوع خود (بزهکار) مواجه شود؛ ضمن این‌که چنانچه این جرم توسط بزهکار در کشور ثالثی به غیر از کشور متبوع بزهکار و بزه‌دیده رخ دهد، ممکن است کشور ثالث نیز به موجب اصل صلاحیت سرزمینی، خود را صالح به رسیدگی بداند و بزهکار را محاکمه و مجازات کند؛ مانند حالتی که یک ایرانی، در کشور پاکستان علیه یک فرانسوی مرتکب جرم شود. در این حالت، از سویی محاکم پاکستان به‌عنوان کشوری که محل ارتکاب جرم است، صلاحیت رسیدگی را پیدا می‌کنند و از سوی دیگر، در بازگشت بزهکار ایرانی به کشور، به موجب اصل صلاحیت شخصی به اعتبار بزهکار، وی در محاکم ایران مورد محاکمه و مجازات واقع می‌شود و نیز ممکن است در سفر آتی مجرم به فرانسه به اعتبار این‌که بزه‌دیده تبعه فرانسه بوده و نظام کیفری فرانسه اصل صلاحیت شخصی به اعتبار بزه‌دیده را پذیرفته است، بزهکار ایرانی تعقیب و مجازات مضاعف بر وی اعمال شود.

## ۲. مجازات مضاعف در حقوق کیفری ایران

مجازات مضاعف به عنوان یکی از مسائل مهم در حقوق کیفری بین‌المللی و دکتترین حقوقی و نظام کیفری اکثر کشورها مطرح شده و به تدریج در قوانین و مقررات حقوق داخلی کشورها و اسناد فرامنطقه‌ای و

۱۹. قانون الحاق ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوایمایی کشوری (مصوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ مونترال)

مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۳ مجلس شورای ملی و ۱۳۵۲/۳/۷ مجلس سنا.

۲۰. مصوب ۱ مرداد ماه ۱۳۲۸ کمیسیون‌های راه و دادگستری.

بین‌المللی انعکاس یافته و طبعاً مطالعه جایگاه و سابقه آن در نظام حقوقی و ادوار مختلف قانونگذاری ایران و رویکرد قانونگذار در پذیرش جهات مختلف اعمال یا منع مجازات مضاعف به تفکیک قبل و بعد از انقلاب اسلامی از اهمیت برخوردار است.

در این راستا، نگاهی اجمالی به سابقه تاریخی استعمال عبارات مجازات یا کیفر مضاعف و عبارات محاکمه مجدد یا مضاعف در عنوان و متن قوانین مصوب مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی، نشانگر آن است که عبارت مجازات مضاعف، هرچند در متن برخی قوانین به کار رفته است، لکن اغلب مفهوم تشدید مجازات را داشته و در هیچ‌یک از دو مفهوم داخلی و بین‌المللی مجازات مضاعف استعمال نشده و تنها در متن چند قانون داخلی مصوب قبل از انقلاب و چند مورد از توافقنامه‌های معاضدت قضایی بین ایران و کشورهای منطقه در سال‌های اخیر قانونگذاری به کار رفته است.<sup>۲۱</sup> با این مقدمه در ادامه مباحث، پیشینه مجازات مضاعف در قوانین و مقررات قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

عبارت «محاکمه مجدد» برای اولین بار در ماده‌ای از قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی<sup>۲۲</sup> و ذیل مبحث ششم قانون مذکور با عنوان «در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه»، در معنایی متفاوت از مفهوم خاص مورد بحث در این مقاله به کار رفت. همین عبارت در ماده ۱۴ قانون رسیدگی به شکایات از احکام صادره از محاضر شرعیه<sup>۲۳</sup> نیز به معنای محاکمه مجددی که در اثر وارد دانستن اعتراض بر حکم صادر شده صورت می‌گیرد، استعمال شد که باز هم با مفهوم فراملی مجازات مضاعف تناسبی نداشت.

اما مفهوم فراملی مجازات مضاعف، ظاهراً با رویکرد پذیرش اعمال مجازات مضاعف، برای نخستین بار در ادبیات قانونگذاری کشور، در ماده ۲۰۰ قانون محاکمات جزایی<sup>۲۴</sup> (آیین دادرسی کیفری) با الحاقات و اصلاحات بعدی به کار رفت که در خصوص صلاحیت محاکم رسیدگی‌کننده به جرائم ارتكابی توسط اتباع ایران در کشور خارجی مقرر می‌داشت: «هرگاه یکی از تبعه ایران در خارجه مرتکب جنحه یا جنایتی شده و در ایران به دست بیاید در محکمه‌ای محاکمه می‌شود که در حوزه او مقصر را یافته‌اند».<sup>۲۵</sup>

۲۱. ر.ک: قانون موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۵ و قانون موافقتنامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲۹.

۲۲. مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ قمری مصادف با ۱۸ آذرماه ۱۲۹۰ شمسی.

۲۳. مصوب ۱۳۰۴/۱۱/۲۱ کمیسیون عدلیه.

۲۴. مصوب نهم رمضان ۱۳۳۰ قمری (مصوب ۱۲۹۱ شمسی).

۲۵. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همین ماده با اندک تغییراتی در قالب ماده ۵۷ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ تکرار شده است.

همین مفهوم از مجازات مضاعف این بار با رویکرد منع اعمال مجازات مضاعف در اصلاحات قانون مجازات عمومی مطرح شد؛ با این توضیح که در جریان تصویب قوانین جزایی ایران به‌ویژه قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، اصول صلاحیت حقوق داخلی و حقوق کیفری بین‌المللی ذکر نشده بود، لکن متعاقب اصلاحات مصوب ۱۳۵۲/۳/۷ قانون مجازات عمومی که متأثر از تغییرات و اصلاحات به عمل آمده در قانون جزای فرانسه بود، قانونگذار ضمن بیان مصادیق و موارد صلاحیت کیفری و اصل صلاحیت شخصی، در بند «ه» ماده ۳ مقرر کرد: «در غیر موارد مذکور در بندهای «ج» و «د»، هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی ایران مجازات خواهد شد، مشروط بر این‌که: ... ۳) در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد».

همچنین پس از تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی و در جریان عضویت و الحاق کشورها به آن، ایران نیز با تصویب قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ رسماً به کنوانسیون مذکور ملحق شد و مفاد این کنوانسیون نیز با توجه به مفاد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون (داخلی) محسوب شد. بند ۷ ماده ۱۴ این میثاق مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر شده طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب یا مجازات قرار داد».<sup>۲۶</sup> بنابراین با الحاق ایران به کنوانسیون مذکور، رویکرد ممنوعیت اعمال مجازات مضاعف که قبلاً در جریان اصلاح قانون مجازات عمومی با شرایط خاصی پذیرفته شده بود، به عنوان یک تعهد فراملی در نظام قانونگذاری کشور تثبیت شد.

در خلال مرور رویه قانونگذار در خصوص موضوع، مرور برخی از متون حقوقی از جمله نظریات مشورتی اداره کل حقوقی دادگستری نیز قابل توجه است. نگاهی به سابقه این نظریات نشانگر آن است که موضوع مجازات مضاعف قبل از راه یافتن به متون قانونی و مقررات مصوب مجلس شورای ملی، در نظریات مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین دادگستری سابق نیز مورد توجه قرار گرفته و مطرح شده است. اولین نظر مشورتی آن اداره کل در این خصوص، به سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ظاهراً به نظریه مورخ ۱۳۴۵/۸/۱۱ مربوط می‌شود که مفاهیم محاکمه مجدد و مجازات مضاعف کاملاً در آن مطرح شده است. متن نظریه مذکور به این شرح است: «با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی که ناشی از حق حاکمیت دولت‌ها است، متهم خارجی که در ایران مرتکب جرم شده است، به هر حال در ایران قابل تعقیب است. با وجود این، هرگاه شخص مزبور به علت ارتکاب آن جرم در کشور متبوع خود محکوم و

۲۶. ر.ک: متن ترجمه ماده از متن قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷.

متحمل مجازات شده باشد و آن مجازات با مجازاتی که ممکن است از طرف محاکم ایرانی درباره او تعیین شود قابل احتساب باشد، برای احتراز از این که مجرم بابت یک جرم، متحمل دو مجازات شود مجازات اجرا شده باید احتساب شود».<sup>۲۷</sup> همان طور که از متن نظریه پیدا است، مبنای پذیرش محاکمه مجدد، حق حاکمیت دولت‌ها و اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی بوده و نظریه احتساب مجازات اعمال شده قبلی در کشور خارجی در محاکمه مجدد نیز در محاکم ایران پذیرفته شده است.

متعاقباً نظریه دیگری نیز در همین رابطه در سال‌های قبل از انقلاب از اداره کل یاد شده و در پاسخ به استعلام یکی از مراجع قضایی به این شرح صادر شده است: «... گرچه طبق ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، اتباع ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شده باشند در محکمه‌ای که مقصر در آن یافت شده قابل تعقیب می‌باشند، ولی بر طبق اصول اساسی و مسلم حقوق جزا، اجرای این ماده منوط به آن است که قبلاً موضوع منجر به صدور حکم قطعی نشده باشد. در غیر این صورت با وجود اصل منع تعقیب مجدد که از نظر بین‌المللی مورد قبول واقع شده و در ماده ۲ قانون جلوگیری از نشریات مستهجن<sup>۲۸</sup> نیز مورد تصویب مقنن ایرانی قرار گرفته است، موجبی برای تجویز محاکمه مجدد وجود ندارد...».<sup>۲۹</sup> مبنای پذیرش منع محاکمه مجدد در این نظریه، در حقیقت التزام به اصول حقوق کیفری بین‌المللی بیان شده است.

بنابراین، موضوع مجازات مضاعف با رویکرد ممنوعیت اعمال آن، قبل از انقلاب اسلامی، هم در قوانین ماهوی و هم در قوانین شکلی و هم نظرهای مشورتی اداره حقوقی از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است. قانونگذار در جریان اصلاحات قانون مجازات عمومی با بیان موضع صریح خود در خصوص مجازات مضاعف، اعمال صلاحیت شخصی محاکم خود را محدود به مواردی کرد که متهم در محل وقوع جرم (کشور خارجی) محکوم یا تبرئه نشده و تمام مجازات یا قسمتی از آن درباره او اجرا نشده باشد. در این صورت، دادگاه‌های ایران حکم صادر شده از دادگاه‌های خارجی را شناسایی کرده، به لحاظ رسیدگی قبلی و صدور حکم محکومیت یا براءت که منتهی به اعتبار امر مختوم شده است، صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی در خارج از کشور را نخواهند داشت.

---

۲۷. به نقل از: جنتی، مهدی، و مجتبی باری، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: نشر میثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۴۷.

۲۸. در سوابق قانونگذاری ایران با عناوین مشابه قانون مندرج در نظریه اداره حقوقی، صرفاً دو قانون ذیل مشاهده می‌شود: (۱) قانون تصویب قرارداد بین‌المللی برای جلوگیری از اشاعه و معامله نشریات مستهجن و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن مصوب ۴ آبان ماه ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی. ماده واحده مزبور که در پی امضای قرارداد مذکور در ۲۰ سنبله ۱۳۰۲ (۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳) تصویب شد، صرفاً مشتمل بر یک ماده بوده و چنین موردی در آن رویت نشد؛ (۲) قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل‌های اصلاحی قراردادهای مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشا و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن مصوب ۱۸ آذرماه ۱۳۳۷ مجلسین شورای ملی و سنا که مشتمل بر یک ماده واحده و متن پروتکل‌های اصلاحی است. لکن به نظر می‌رسد، نه ماده ۲ و نه سایر مواد پروتکل‌ها با اصل مذکور ارتباطی ندارند.

۲۹. به نقل از: موسوی، عباس، *حقوق جزای عمومی*، ج اول، تهران، نشر خیام، ۱۳۷۶. شماره و تاریخ نظریه مذکور در این منبع ذکر نشده است و تلاش نگارندگان برای دستیابی به اصل نظریه مذکور نیز به نتیجه نرسید.

## ۲-۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی

### الف) قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری

قانونگذار پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، در تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی و قوانین مجازات اسلامی سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، مقررات مندرج در ذیل ماده ۳ قانون مجازات عمومی سابق را حذف و عبارات ماده ۳ قانون سابق را به صورت ناقص در قالب مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸) ذکر کرد و موضوع مجازات مضاعف را عملاً مسکوت گذاشت. در همین راستا قانونگذار، سال‌ها بعد در قانون آیین دادرسی کیفری و بیان صلاحیت دادگاه‌ها، حکم مقرر در ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری سابق<sup>۳۰</sup> را با اندک تغییراتی در ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸) احیا و مقرر کرد که رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که در ایران دستگیر شده باشند، در صلاحیت دادگاهی است که متهم در حوزه قضایی آن دستگیر شده باشد؛ لکن این دیدگاه قانونگذار در خصوص مجازات مضاعف در قالب تبصره ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، با شناسایی محدود اعتبار احکام خارجی، اندکی تغییر پیدا کرد: «در موارد مذکور در ماده قبل، هرگاه حکم صادر شده، ولی اجرا نشده باشد، پس از انقضای موارد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم، اجرای آن موقوف می‌گردد و در هر حال، آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود.

تبصره: احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد».

هرچند در تبصره این ماده، شناسایی و اعتبار بخشیدن به احکام دادگاه‌های خارجی صرفاً در خصوص اتباع ایرانی و در چارچوب مرور زمان و موافقتنامه‌های فی مابین محدود شده است، لکن از این نظر که نتیجه این پذیرش، ممنوعیت تعقیب، محاکمه و مجازات مضاعف خواهد بود، واجد اهمیت است.

رویکرد اعمال مجازات مضاعف در برخی قوانین جزایی خاص مصوب در اوایل دهه ۸۰ شمسی نیز به چشم می‌خورد. از آن جمله، قانونگذار در ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق انسان (مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸) مقرر کرده است: «هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون شود، مشمول مقررات این قانون خواهد بود». بنابراین، قانونگذار در این قانون نیز بر موضع سابق خود در مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) و ماده ۵۷ آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) پافشاری کرده و بدین ترتیب از رویکرد مطلق ممنوعیت مجازات مضاعف فاصله گرفته است.

۳۰. مصوب ۱۲۹۱ شمسی.

## ب) موافقتنامه‌های قضایی منعقد شده با برخی کشورهای منطقه

با تصویب موافقتنامه‌های قضایی دوجانبه میان ایران و به‌ویژه دو کشور اسلامی منطقه، سوریه و کویت، با عناوین قانون موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه (مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۵) و قانون موافقتنامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت (مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲۹)، تغییراتی در موضع کلی قانونگذار صورت پذیرفت؛ به این ترتیب که در چارچوبی خاص و با وضع شروطی، احکام کیفری صادر شده از محاکم دولت کویت مورد شناسایی متقابل قرار گرفت و اجرای مجازات موضوع حکم دادگاه‌های خارجی متقابلاً با اعمال شرایطی به رسمیت شناخته شد. به ویژه ماده ۸۰ قانون موافقتنامه ایران و سوریه و ماده ۵۲ قانون موافقتنامه ایران و کویت،<sup>۳۱</sup> نمونه‌های بارزی از توجه قانونگذار به موضوع منع محاکمه و مجازات مجدد هستند. بنابراین در قبال احکام صادر شده از دادگاه‌های این دو کشور به‌عنوان کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، موضع قبلی خود را تعدیل کرد؛ ضمن این که مطابق ماده ۸۰ موافقتنامه مذکور (ایران و سوریه) که در فصل سوم از بخش پنجم موافقتنامه با عنوان «اجرای حکم» بیان شده، طرفین موافقتنامه مقرر می‌دارند: «احکام صادر شده در کشور صادرکننده حکم، همان آثار قانونی را در مقررات کیفری کشور اجراکننده حکم دارد و برای کشور اجراکننده حکم جایز نیست که علیه محکوم‌علیه هیچ‌گونه تحقیقات یا محاکمه‌ای که در خصوص جرم وی حکم محکومیت صادر شده باشد اعمال نماید، مگر در مواردی که در کشور اجرای حکم در مقررات کیفری استثنای شده باشد».

همچنین ذیل ماده ۷۹ موافقتنامه مذکور در خصوص اعتبار حکم صادر شده از دادگاه خارجی مقرر شد: «... جایز نیست که در اجرای حکم محکومیت در کشور اجراکننده حکم علیه محکوم‌علیه، نسبت به اساس حکم خدشه‌ای وارد شود».

در این جا لازم به توضیح است که احکام و تصمیمات قضایی کیفری صادر شده از دادگاه‌های خارجی در قلمرو کشور دیگر، ممکن است دو اثر و اعتبار را به همراه داشته باشند: اول اعتبار ایجابی یا مثبت و دوم اعتبار سلبی یا منفی. اعتبار ایجابی یا مثبت<sup>۳۲</sup> حکم دادگاه خارجی، از یک سو اثر الزام آور و لازم‌الاجرای حکم است که مستلزم اجرای مفاد احکام و متعاقباً اعمال و توجه به آثار مستقیم و غیرمستقیم حکم، از جمله

---

۳۱. ماده ۵۲ قانون موافقتنامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲۹: «طرف اجراکننده حکم به محض قبول انتقال، تمامی اقدامات مربوط به تعقیب جزایی مربوط به همان جرم را که توسط مقامات قضایی صلاحیتدار شروع شده است، متوقف خواهد نمود. در مورد جرم موضوع انتقال، نسبت به اقامه دعوی کیفری علیه شخص انتقال یافته براساس مفاد این موافقتنامه یا محاکمه مجدد وی اقدام نخواهد کرد».

32. autorité positive

تکرار جرم، تعلیق مجازات، مجازات‌ها و محرومیت‌های تبعی و ... است. اعتبار سلبی یا منفی<sup>۳۳</sup> حکم نیز اثر بازدارنده تصمیمات قضایی است که مانع از محاکمه و مجازات مجدد متهم برای همان جرم می‌شود. لکن دولت‌ها معمولاً قسمت اول از اعتبار ایجابی را در قلمرو سرزمینی کشور خود برای احکام کیفری دادگاه‌های خارجی قائل نمی‌شوند و مفاد احکام کیفری دادگاه‌های خارجی در قلمرو کشور دیگر اجرا نمی‌شود. دلیل این امر را می‌توان در حاکمیت ملی دولت‌ها و تعارض اعتبار مثبت احکام خارجی با حاکمیت مستقل کشورها جستجو کرد. برخی اظهارنظرهای اداره حقوقی قوه قضاییه<sup>۳۴</sup> در این خصوص مؤید این نظر است.

بنابراین، وضع مقرراتی به منظور به رسمیت شناختن برخی احکام صادر شده از دادگاه‌های جزایی سوریه در مورد جبران ضرر و زیان خصوصی و رد اموال به موجب قسمت دوم ماده ۳۱ موافقتنامه بین ایران و سوریه<sup>۳۵</sup> و بند ۲ ماده ۱۹ موافقتنامه ایران و کویت<sup>۳۶</sup> و لازم‌الاجرا تلقی کردن احکام قضایی صادر شده توسط مرجع قضایی یکی از دو کشور که مطابق موافقتنامه مذکور در کشور دیگر به رسمیت شناخته شده باشد، براساس مقررات اجرای احکام کشور درخواست شونده به موجب بند ۱ ماده ۳۶ موافقتنامه ایران و سوریه و قابل اجرا دانستن احکام کیفری صادر شده توسط یکی از طرفین در قلمرو طرف دیگر با شرایط احصا شده به موجب مواد ۴۶ و ۴۹ موافقتنامه ایران و کویت است. همچنین اعمال و اجرای تمام یا مدت باقیمانده مجازات موضوع حکم صادر شده از دادگاه کشور طرف موافقتنامه قلمرو سرزمینی جمهوری اسلامی ایران طی مواد ۷۹ و ۸۰ موافقتنامه ایران و سوریه ولو علیه تبعه خود - کشور مجری حکم - به نوعی استثنا تلقی شده و خلاف سیاست و رویه قضایی و تقنینی معمول کشور ایران و اغلب کشورها به شمار می‌رود که با مقداری تمایز در عبارات، در هر دو موافقتنامه قابل مشاهده است. این در حالی است که موافقتنامه‌های منعقد با سایر کشورهای دوست همجوار و غیرهمجوار، از جمله موافقتنامه بین ایران و جمهوری قرقیزستان یا جمهوری افریقای جنوبی<sup>۳۷</sup>

### 33. autorité négative

۳۴. برای نمونه رجوع کنید به: قسمت اخیر نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۵۵ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۱: «... قوانین جزایی ایران، اجرای احکام کیفری صادر شده از دادگاه‌های خارجی را توسط مراجع قضایی ایران تجویز نمی‌کند ...» (به نقل از: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، مجموعه جرائم و مجازات‌ها، ج اول، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۷۰، ذیل ماده ۷ قانون مجازات اسلامی).

۳۵. ماده ۳۱. «هریک از دو کشور طرف موافقتنامه، احکام صادر شده از دادگاه‌های کشور دیگر را در موضوعات مدنی، تجاری و احوال شخصیه که اعتبار قضیه محکوم بها را پیدا کرده باشد به رسمیت شناخته و مطابق مقررات این بخش به اجرا خواهد گذاشت. همچنین احکام صادره از دادگاه‌های جزایی را در مورد جبران ضرر و زیان خصوصی و رد اموال به رسمیت می‌شناسد».

۳۶. ماده ۱۹. «هریک از طرفین متعاقد، احکام قطعی صادر شده از سوی دادگاه‌های طرف دیگر را در موارد زیر شناسایی و اجازه اجرای آن در سرزمین خود را خواهد داد: الف) احکام صادر شده در امور مدنی، تجاری و احوال شخصیه لازم‌الاجرا و قراردادهای مصالحه که ... ؛ ب) احکام لازم‌الاجرای دادگاه‌های کیفری که درباره جبران خسارت یا برگرداندن اشیای ضبط شده می‌باشد».

۳۷. قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری افریقای جنوبی مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی.



متضمن چنین مقرراتی نبوده، توافق طرفین حداکثر به معتبر شناختن و اجرای احکام کیفری قطعی و لازم‌الاجرای مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم<sup>۳۸</sup> یا اجرای مجازات نقدی، احکام ناظر بر جبران خسارات و اقدام در جهت کشف، محدود و مصادره کردن عایدات حاصل از ارتکاب جرم<sup>۳۹</sup> و ضبط منافع ناشی از فعالیت‌های مجرمانه (عواید جرم)<sup>۴۰</sup> و ابزار جرم<sup>۴۱</sup> محدود می‌شود.

البته گاه اشاراتی به مفهوم منع مجازات مضاعف در موافقتنامه‌های اخیرالذکر نیز دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به ذکر برخی جهات در موارد عدم پذیرش استرداد مجرمین یا رد تقاضای معاضدت اشاره کرد. به‌عنوان نمونه در مواردی که مجازات به لحاظ مرور زمان یا به دلیل دیگر مقرر در قوانین، قابل اجرا نباشد یا در صورتی که مرتکب مورد نظر کشور درخواست‌شونده، مشمول تصمیم قطعی دادگاه یا تصمیم عدم تعقیب برای همان جرمی باشد که در مورد آن درخواست استرداد صورت گرفته است،<sup>۴۲</sup> این امر از جهات رد درخواست استرداد مجرمین برشمرده شده است. همچنین ارتباط تقاضای معاضدت به جرم تحت پیگرد یا رسیدگی قضایی یا جرمی که طرف درخواست‌شونده معاضدت، در حیطه صلاحیت خود حکم قضایی در مورد آن صادر کرده باشد، از جهات رد تقاضای معاضدت قضایی ذکر شده است.<sup>۴۳</sup>

### ج) لایحه جدید مجازات اسلامی

رویکرد لایحه جدید «مجازات اسلامی»<sup>۴۴</sup> به مقررات مربوط به اصول صلاحیت، با تغییرات قابل توجهی

---

۳۸. برای نمونه رجوع کنید به: بند «ب» ماده ۱۹ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰ و ماده ۴۳ قانون موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب جلسه علنی مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۶ مجلس شورای اسلامی و ۱۲۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳۹. ر.ک: ذیل بند ۲ ماده ۲ و ماده ۱۴ قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری افریقای جنوبی مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی.

۴۰. ر.ک: شق «پ» بند ۲ ماده ۲۵ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰.

۴۱. ر.ک: بند ۲ ماده ۳ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی دوجانبه در موضوعات کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰.

۴۲. ر.ک: شق «پ» و «ت» بند ۱ ماده ۳۵ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰.

۴۳. ر.ک: بند «و» ماده ۴ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی دوجانبه در موضوعات کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰.

۴۴. لایحه مذکور در جلسه مورخ ۸۶/۸/۲۰ هیأت وزیران با قید یک فوریت تصویب و از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و یک فوریت آن در جلسه علنی مورخ ۸۶/۱۰/۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

همراه بوده است.<sup>۴۵</sup> مبحث دوم از فصل اول این لایحه به قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان اختصاص داده شده و اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف در مواد ناظر بر اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت شخصی به دو اعتبار تابعیت مرتکب و تابعیت مجنی‌علیه، صرفاً در جرائم تعزیری پیش‌بینی شده است. ماده ۷ و ۸ این لایحه به شرح زیر است:

«ماده ۷. علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق، هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود در جرائم قابل گذشت در صورتی که در ایران یافت شود یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود، مشروط بر این‌که:

۱. رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد؛
۲. در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد؛
۳. طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا عدم اجرای مجازات یا سقوط آن وجود نداشته باشد.

ماده ۸. هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی بجز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر این‌که:

۱. متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد؛
۲. رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع جرم باشد.»

اهم نکات این لایحه در خصوص موضوع مجازات مضاعف عبارتند از:

۱. رویکرد لایحه جدید، همچنان رویکرد اعمال مجازات مضاعف است، موضوعی که به‌صراحت در متن ماده ۷ قانون (لایحه) پیش‌بینی شده است؛ لکن موضع مقنن در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی را از عموم و اطلاق خود خارج کرده و با وضع قیود و شروطی محدود کرده است.
۲. در حالی که در نسخ پیشین لایحه جدید، شروط لازم و مقدماتی برای محاکمه مجدد در محاکم ایران در جرائم قابل گذشت و جرائم غیرقابل گذشت تفکیک شده و به ترتیب، شکایت شاکی خصوصی و

---

۴۵. شورای نگهبان قانون اساسی، لایحه مجازات اسلامی، مصوب جلسه ۱۳۹۰/۱۰/۲۸. نسخه ضمیمه نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۵۳۲۵ قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

دسترسی (یافت شدن) به متهم در ایران از جمله شروط تعقیب و محاکمه مضاعف ذکر شده بود،<sup>۴۶</sup> در آخرین نسخه، این تفکیک حذف شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در اظهارنظر کارشناسی خود در ارتباط با نسخ پیشین لایحه مذکور،<sup>۴۷</sup> این تفکیک را حذف کرده و با افزودن تبصره‌ای به آن، تعقیب متهم را در جرائم قابل گذشتی که به امنیت یا حیثیت کشور لطمه وارد کند بدون شکایت شاکی خصوصی بر عهده دادستان قرار داده است.<sup>۴۸</sup> به نظر نگارندگان نیز جایی برای این تفکیک در قانون مجازات وجود ندارد و لزوم شکایت شاکی خصوصی از جرائم قابل گذشت، مسأله روشنی است که آغاز مرحله تحقیق و تعقیب منوط به آن بوده و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز تصریح شده است.

۳. در اجرای اصل صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مرتکب، ممنوعیت مجازات مضاعف در مورد محکومیت با اجرای تمام یا قسمتی از مجازات و برائت در دادگاه خارجی و صرفاً در جرائم تعزیری قابل اعمال است.<sup>۴۹</sup>

۴. شرط اعمال صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مرتکب، جرم بودن رفتار ارتكابی (در قلمرو کشور دیگر) در قانون جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است.<sup>۵۰</sup> بنابراین تعبیر و شرط مقنن در بند ۲ قسمت «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴، اصلاحی ۱۳۵۲)، مبنی بر این که عمل به موجب قانون محل وقوع جرم باشد، تعبیر یافته و شرط مندرج در بند ۱ قسمت «ه» ماده ۳ قانون اخیرالذکر که ناظر بر جرائمی است که حداکثر مجازات آن‌ها به موجب قانون ایران بیش از یک سال حبس بود، پذیرفته نشده است.

۵. معاذیر قانونی که مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، موجب منع یا موقوفی تعقیب یا عدم اجرا یا سقوط مجازات شود، همانند ترتیب مقرر در ذیل بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی، از جمله موانع اعمال اصل صلاحیت شخصی و محاکمه و مجازات مجدد مرتکب در محاکم ایران مقرر شده است.

۶. مجازات موضوع حکم نخستین در صورت اعمال نسبت به بزهکار، قابل احتساب در مجازات موضوع حکم محکومیت دوم (صرفاً در محدوده جرائم پنج‌گانه موضوع ماده ۵ لایحه مجازات اسلامی و موضوع اصل صلاحیت واقعی) دانسته شده است.<sup>۵۱</sup> هرچند در اظهارنظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس

---

۴۶. برای دیدن نسخه پیشین لایحه که تفاوت‌هایی با آخرین نسخه مورد تأیید شورای نگهبان دارد، رجوع کنید به: اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات)، تهران، مجلس شورای اسلامی، شماره چاپ ۱۲۸، ۱۳۷۸.

۴۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه مجازات اسلامی، تهران، مرکز پژوهش‌ها، شهریور ۱۳۸۷، ص ۲.

۴۸. همان، ص ۳.

۴۹. بند ۲ ماده ۷ لایحه جدید مجازات اسلامی.

۵۰. بند ۱ ماده ۷ لایحه جدید مجازات اسلامی.

۵۱. ماده ۵ لایحه جدید مجازات اسلامی.

شورای اسلامی درباره نسخ پیشین لایحه یادشده،<sup>۵۲</sup> سب یا توهین به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز به فهرست این جرائم افزوده شده بود که در نسخه نهایی قانون حذف شده است.

۷. اصل صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مجنی‌علیه با شرایطی پذیرفته شده و ماده قانونی جدیدی<sup>۵۳</sup> که در قانون مجازات عمومی و قوانین مجازات اسلامی بعد از انقلاب فاقد سابقه بوده، تدوین شده است.

۸. اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد بر اعمال اصل صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مجنی‌علیه و محاکمه مجدد مرتکب، حاکمیت یافته است.<sup>۵۴</sup>

۹. جرائم مشمول قصاص، حدود و دیات از دایره اعمال ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف خارج شده و اجرای اصل مذکور صرفاً به جرائم تعزیری محدود شده است.

بنابراین، رویکرد مقنن در ادوار مختلف قانونگذاری پس از انقلاب اسلامی راجع به مسأله مجازات مضاعف، هرچند با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، لکن در حال تغییر در مواضع قبلی و ایجاد محدودیت‌های قابل توجهی در اعمال محاکمه و مجازات مضاعف و مستثنا کردن آن در جرائم تعزیری است.

#### د) نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه

در ادامه نظرهای مشورتی ذکر شده از اداره حقوقی دادگستری درخصوص مجازات مضاعف در قسمت مرور قوانین قبل از انقلاب اسلامی در این مقاله، تغییرات و تحولات قانونی پس از انقلاب اسلامی نیز با طرح مفهوم اصل ممنوعیت مجازات مضاعف در نظریات مشورتی اداره کل تدوین قوانین و مقررات قوه قضاییه همراه بوده است. نخستین نظریه این اداره کل راجع به موضوع مورد بحث پس از پیروزی انقلاب اسلامی نظریه شماره ۷/۶۱۳۶ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۷ است: «متهم تبعه خارج که در کشورش مرتکب قتل و به اتهامی دیگر در ایران دستگیر شده، به اتهام ارتکاب قتل مذکور در ایران قابل تعقیب و مجازات نیست». این نظریه در راستای نظرهای سابق اداره کل حقوقی، همچنان مجازات مضاعف را با رویکرد منع اعمال آن با گستره‌ای نامحدود و شامل قصاص، تعبیر و تفسیر می‌کرد.

همچنین متعاقباً نظرهای متعدد دیگری از آن اداره کل درخصوص موضوع صادر شده است که علاوه بر اصل موضوع، یعنی شمول یا عدم شمول اصل منع مجازات مضاعف، حسب مورد به برخی از جوانب و شرایط مصادیق مورد استعمال، مانند لزوم جرم بودن عمل ارتكابی توسط تبعه ایرانی در کشور محل وقوع

۵۲. ر.ک: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پیشین، ص ۲.

۵۳. ماده ۸ لایحه جدید مجازات اسلامی.

۵۴. بند ۱ ماده ۸ لایحه جدید مجازات اسلامی.

جرم یا عدم لزوم آن وفق ماده ۷ قانون مجازات اسلامی،<sup>۵۵</sup> تمایز بین صدور حکم قطعی و اجرای تمام یا بخشی از آن یا صرفاً صدور حکم قطعی و عدم اجرای آن در کشور خارجی، لزوم دستگیری متهم در ایران به منظور اجرای ماده ۷ قانون یادشده و نحوه حضور متهم در ایران،<sup>۵۶</sup> شرط بودن تابعیت ایرانی در صلاحیت یافتن دادگاه‌های ایران به رسیدگی به جرم ارتكابی<sup>۵۷</sup> و لزوم یکسان بودن عمل مجرمانه و اتهامات انتسابی به عنوان شرط لازم برای شمول ممنوعیت مجازات مضاعف<sup>۵۸</sup> اشاره شده است.

محتوای نظریات مشورتی اشاره شده صراحتاً ناظر بر تأیید اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف به عنوان یک اصل کلی و نافذ در نظام کیفری ایران است.<sup>۵۹</sup> قضات و کارشناسان کمیسیون‌های مربوط با طرح استدلال‌هایی که بی اشکال به نظر نمی‌رسند، سعی در توجیه مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی و لزوم معتبر شناختن آرای قطعی صادر شده از محاکم خارجی و اجرای مجازات در قلمرو کشور خارجی صادرکننده حکم قطعی داشته‌اند.

نکته تأمل برانگیز و قابل ایراد در نظرهای مشورتی اداره مزبور این است که به صورت مطلق و بدون هرگونه تفکیک و تمایز درخصوص انواع جرائم دسته‌بندی شده در قانون مجازات اسلامی، نظر بر پذیرش مطلق اصل داشته و غیر از مفاد ذیل یکی از نظریه‌های مشورتی<sup>۶۰</sup> - آن هم به صورت نقل قول از معاونت وقت قضایی قوه قضاییه و اعتقاد ایشان به تفاوت حکم و تفکیک موضوع در جرم مستوجب حد شرعی - هیچ تفاوتی میان جرائم مشمول قصاص و حدود با جرائم مشمول تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده قائل نشده‌اند.

با مشخص شدن رویکرد قانونگذار در نظام کیفری ایران به موضوع محاکمه مجدد و مجازات مضاعف و

---

۵۵. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۷۵۹ مورخ ۸۴/۸/۱۵ اداره کل حقوقی و تدوین مقررات قوه قضاییه: «ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ناظر به اعمالی است که در کشور محل ارتکاب هم جرم بوده و در آن جا مجازات نشده باشد. چنین کسی اگر در ایران یافت شود وفق قوانین جزایی ایران (نه قوانین جزایی محل ارتکاب) مجازات خواهد شد. بنابراین، اگر اعمال ارتكابی در کشور محل ارتکاب جرم نباشد، از شمول ماده ۷ قانون مجازات اسلامی خارج است.» (به نقل از: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، پیشین، ص ۷۰).

۵۶. ر.ک: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، پیشین، ص ۷۳: نظریه ۷/۱۳۴۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۴ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۵۷. ر.ک: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، پیشین، ص ۶۹: نظریه مشورتی شماره ۷/۴۸۲۷ مورخ ۸۴/۷/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۵۸. همان و نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۳۶ مورخ ۵۹/۱۲/۷ اداره حقوقی دادگستری: «متهم تبعه خارج که در کشورش مرتکب قتل و به اتهامی دیگر در ایران دستگیر شده به اتهام قتل مذکور در ایران قابل محاکمه و مجازات نیست.»

۵۹. ر.ک: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، پیشین، ص ۶۹-۷۳ نظرات اداره حقوقی به شماره‌های ۷/۵۴ مورخ ۱۳۶۸/۵/۹، ۷/۵۳۰ مورخ ۱۳۷۲/۹/۷، ۷/۴۳۲۲ مورخ ۱۳۷۶/۸/۱۸، ۷/۷۲۵۵ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۹، ۷/۷۸۶۰ مورخ ۱۳۸۰/۹/۳، ۷/۶۸۵۳ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۲، ۷/۸۰۷۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ و ۷/۱۳۴۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۴.

۶۰. ر.ک: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، پیشین، ص ۷۲: ذیل بند یک نظریه مشورتی شماره ۴۳۲۲ مورخ ۱۳۷۶/۸/۱۸ و نظریه ۷/۸۸۲۷ مورخ ۸۰/۱۰/۲۹ اداره کل حقوقی و تدوین مقررات قوه قضاییه: «... و معاونت محترم ریاست قوه قضاییه بر این عقیده‌اند که اگر جرم ارتكابی در خارج، مستلزم حد شرعی باشد، در ایران هم قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.»

به منظور امکان تطبیق و تشخیص وضعیت سایر کشورها در این خصوص، در قسمت بعد سابقه تاریخی کیفر مضاعف در برخی کشورها اجمالاً بررسی می‌شود.

### ۳. سابقه تاریخی کیفر مضاعف در حقوق سایر کشورها

از دیدگاه تاریخی، منع رسیدگی و محاکمه مجدد، تا چند قرن پیش در بسیاری از کشورها قابل پذیرش نبوده است. نظام کیفری و مقررات جزایی کشورهای انگلستان و فرانسه به‌عنوان کشورهای شاخص نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رمی - ژرمنی تا قبل از قرن ۱۸ و ۱۹ نمونه‌هایی از این مطلب هستند. حتی جایگاه اعتبار امر مختوم کیفری نیز به‌عنوان یکی از مبانی اصلی ممنوعیت مجازات مجدد در برخی از این کشورها متزلزل و رویه‌های متفاوتی در پذیرش یا شرایط و ترتیبات پذیرش آن، حاکم بوده است.<sup>۶۱</sup>

برای نمونه در نظام حقوقی کامن‌لا، در قرن دوازدهم در کشور انگلستان، اگر چه طبق فتوای مذهبی «توماس بکت»،<sup>۶۲</sup> اسقف اعظم کلیسای انگلستان، کشیشان متخلفی که در محاکم مذهبی تنبیه شده بودند، نایبست در دادگاه شاه محاکمه می‌شدند، لکن قانون معروف به قانون کشیشان که در سال ۱۳۱۵ میلادی و در دوره «ادوارد دوم»<sup>۶۳</sup> به تصویب رسید، رسیدگی به اتهام کسانی که قبلاً به علت ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز نسبت به کشیشان در دادگاه‌های ویژه مذهبی محاکمه و محکوم شده بودند را مانع از تعقیب مجدد آنان در دادگاه‌های سلطنتی نمی‌دانست. به علاوه، همین دادگاه‌های سلطنتی در اواخر سلطنت «هنری سوم»<sup>۶۴</sup> (اواخر سال ۱۲۵۰ میلادی) به رغم فتوای بکت، قبل از تسلیم روحانیان مرتکب بزه به دادگاه‌های ویژه مذهبی و برای تشخیص این‌که آیا اموال آنان باید ضبط و مصادره شود یا خیر، به محاکمه آنان می‌پرداختند. همچنین در سال ۱۵۳۴ میلادی در انگلستان قانونی به تصویب رسید که محاکمه مجدد متهمانی را که در ولز مرتکب جرم شده و به جزای نقدی محکوم و یا برائت حاصل کرده بودند، در انگلستان امکان‌پذیر می‌کرد.

منع رسیدگی مجدد که از حقوق رُم به انگلیس راه یافته بود، در سال ۱۷۲۶ میلادی در یکی از آرای دادگاه «کوئینز بنچ»<sup>۶۵</sup> و برای خاتمه دادن به رویه‌های قابل انتقاد قبلی تبلور یافت: «من به‌عنوان رئیس دادگاه صریحاً این نکته را اعلام می‌کنم که رأی برائت از هر دادگاهی صادر شده باشد، مشروط بر این‌که صلاحیت رسیدگی به موضوع اتهام را داشته باشد، علت موجهی برای تعقیب مجدد متهم به همان اتهام

۶۱. آشوری، محمد، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۲.

62. Thomas Beket

63. Edward the second

64. Henry the third

65. queen's bench

محسوب نمی‌شود...». به این ترتیب، دادگاه‌های انگلیس سرانجام پذیرای این امر شدند که یک نفر نباید به علت ارتکاب جرم واحد دوبار مورد محاکمه قرار گیرد. اصل یادشده در قوانین جدیدتر انگلستان، از جمله در قانون عدالت جنایی (مصوب سال ۲۰۰۳)<sup>۶۶</sup> و قانون استرداد (مجرمان) مصوب ۲۰۰۶<sup>۶۷</sup> دیده می‌شود. همچنین در قانون موسوم به تعقیب مجدد (مصوب ۲۰۱۱) اسکاتلند<sup>۶۸</sup> نیز مقرراتی ناظر بر مفهوم بین‌المللی محاکمه و مجازات مضاعف مشاهده می‌شود.

در میان کشورهای تابع نظام رمی - ژرمنی نیز می‌توان به کشور فرانسه اشاره کرد. قبل از انقلاب کبیر فرانسه، اصل منع تعقیب مجدد به رغم سابقه پذیرش در نظام رمانیستی، پذیرفته نشده بود؛ به ویژه این که اخراج موقت از دادگاه در صورت فقد ادله کافی به جای صدور حکم برائت، امکان طرح مجدد دعوا را فراهم می‌ساخت.<sup>۶۹</sup> رویه قضایی کشور فرانسه نیز در این سال‌ها موضع مشابهی داشت و اصل مذکور را بر نمی‌تابید و آن را منحصر و محدود به احکام صادر شده از دادگاه‌های تحت حاکمیت یک کشور واحد می‌دانست. به‌عنوان نمونه، قسمتی از رأی دیوان عالی کشور فرانسه قابل ذکر است که در تاریخ ۲۱ مارس ۱۸۶۲ میلادی صادر و سپس مفاد آن در رأی مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۸۷۳ میلادی نیز به نحوی تکرار شد: «... اگر اصل منع محاکمه مجدد مانع از این است که متهمی دو بار برای یک عمل مجرمانه محاکمه شود، این اصل تنها نسبت به احکام صادر شده از دادگاه‌های وابسته به یک حاکمیت اعمال می‌گردد».<sup>۷۰</sup> لکن پس از انقلاب فرانسه، ابتدا منع تعقیب مجدد در قانون اساسی سوم سپتامبر ۱۸۷۱ میلادی و سپس در ماده ۳۶۰ قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ و سرانجام در ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور<sup>۷۱</sup> (اصلاحی سال ۱۹۵۸ میلادی که تا کنون به قوت خود باقی است) پذیرفته شد. به موجب این ماده، کسانی را که در دادگاه برائت حاصل کرده‌اند نمی‌توان به دلیل همان اعمال، حتی تحت وصف کیفری و عنوان جزایی دیگر، تحت تعقیب قرار داد. بدیهی است منع تعقیب مجدد فقط ناظر به احکام برائت بوده، احکام محکومیت و اغلب قرارهای قاضی تحقیق را نیز در بر می‌گرفت.<sup>۷۲</sup> ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، امر مختوم را به صراحت و در کنار سایر موارد، از جمله موجبات اسقاط دعوی عمومی محسوب کرده است و بیان

66. Criminal Justice Act 2003. ([http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2003/44/pdfs/ukpga\\_20030044\\_en.pdf](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2003/44/pdfs/ukpga_20030044_en.pdf))

67. Extradition Act, 2006, s12. ([www.legislation.gov.uk/ukpga/2003/41/pdfs/ukpga\\_20030041\\_en.pdf](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2003/41/pdfs/ukpga_20030041_en.pdf))

68. double jeopardy act, 2011. ([http://www.legislation.gov.uk/asp/2011/16/pdfs/asp\\_20110016\\_en.pdf](http://www.legislation.gov.uk/asp/2011/16/pdfs/asp_20110016_en.pdf))

۶۹. آشوری، محمد، پیشین، ص ۲۳۳.

۷۰. خالقی، علی، پیشین، ص ۴۱۶.

71. "Aucune personne acquittée légalement ne peut plus être reprise ou accusée à raison des mêmes faits, même sous une qualification différente." (<http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?idArticle=LEGIARTI000006576330&cidTexte=LEGITEXT000006071154&dateTexte=20110903&oldAction=rechCodeArticle>)

۷۲. آشوری، محمد، پیشین، ص ۲۳۳.

می‌نماید: «دعوای عمومی با هدف اعمال مجازات، بر اثر فوت متهم، مرور زمان، عفو، نسخ قانون جزا و امر مختوم کیفری ... ساقط می‌شود...»<sup>۷۳</sup>.

با این وصف، رویکرد کشورها نسبت به موضوع مجازات مضاعف، رویکرد یکسان و مشابهی نبوده و اصل ممنوعیت مجازات مضاعف در نظام کیفری کشورها به صورت مطلق مورد پذیرش قرار نگرفته و پذیرش آن در سطوح مختلف قانونگذاری با فراز و نشیب همراه بوده است. در حال حاضر نیز کشورهایایی یافت می‌شوند که در نظام کیفری آن‌ها اصل ممنوعیت، جایگاهی ندارد و مورد پذیرش قرار نگرفته است. در خلال این بحث اشاره مختصری به اسناد اروپایی و جایگاه اصل منع مجازات مضاعف در برخی از کنوانسیون‌های حائز اهمیت مفید به نظر می‌رسد. برخی از نویسندگان حقوق اروپایی، نخستین گام به سمت و سوی اروپایی کردن اصل مذکور را مقارن و همزمان با فوریت و ضرورت حمایت بین‌المللی از حقوق بشر دانسته‌اند. این موضوع که به دنبال جنگ جهانی دوم بروز کرد در جهت تضمین بنیادین حقوق و آزادی‌ها و با مسئول قلمداد کردن جوامع حاکمیتی و دولت‌ها از طریق تصویب اسناد حقوق بشری در جامعه اروپا در سال ۱۹۵۰ میلادی، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ و سازمان کشورهای امریکایی در سال ۱۹۶۸ به ترتیب با عناوین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۴)، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی (۷-۱۴)، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (ماده ۴-۸) آغاز و پیگیری شد.<sup>۷۴</sup>

در حقوق اتحادیه اروپا، هرچند پیش‌بینی حمایت از منع مجازات مضاعف در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد انتظار بود، لکن به طرز تعجب آوری، نسخه سال ۱۹۵۰ کنوانسیون یادشده از جهت پرداختن به این اصل، ساکت بود. حق عدم محاکمه و مجازات مضاعف در پروتکل شماره ۷ این کنوانسیون در سال ۱۹۸۴ و طی ماده ۱-۷<sup>۷۵</sup> صورت گرفت؛ ضمن این که ماده ۷ کنوانسیون اروپایی استرداد<sup>۷۶</sup> در سال ۱۹۵۷ نیز ناظر بر رعایت این اصل در جریان استرداد مجرمین بوده است.

همچنین در دو کنوانسیون دیگر اروپایی که به طور اختصاصی به اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف پرداخته‌اند، اعم از کنوانسیون شورای اروپا در سال ۱۹۷۰ درباره اعتبار بین‌المللی احکام جزایی<sup>۷۷</sup> و کنوانسیون

---

73. «L'action publique pour l'application de la peine s'éteint par la mort du prévenu, la prescription, l'amnistie, l'abrogation de la loi pénale et la chose jugée. ..» ([http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?sessionId=80148D30101257FCBCB5BE9073C418EC.tpdjo10v\\_1?idA](http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?sessionId=80148D30101257FCBCB5BE9073C418EC.tpdjo10v_1?idA))

74. Gerard Conway, *op.cit.*, 2003, P. 220.

75. Hans-Jürgen Bartsch, *op.cit.*, p.1164. ; Article 4-1: "No one shall be liable to be tried or punished again in criminal proceedings under the jurisdiction of the same State for an offence for which he has already been finally acquitted or convicted in accordance with the law and penal procedure of that State".

76. The European Convention on Extradition

77. European Convention on the International Validity of Criminal Judgments , 1970.



بروکسل در سال ۱۹۸۷ در خصوص اجرای اصل منع محاکمه مجدد<sup>۷۸</sup> که توسط دولت‌های عضو جامعه اروپا به امضا رسیده است<sup>۷۹</sup> و کنوانسیون اجرای موافقتنامه شنکن مصوب ۱۹ ژوئن سال ۱۹۹۰ که در پی حذف مقررات اخذ روادید در قلمرو دول عضو پیمان مذکور به امضای آن‌ها رسید و مشتمل بر مقرراتی در این باره است نیز ممنوعیت مجازات مضاعف با بیانی مشابه در هر سه کنوانسیون یاد شده، به شرح زیر مورد تأکید قرار گرفته است: «نمی‌توان کسی را که توسط یک دولت عضو به طور قطعی محاکمه شده است، توسط دولت عضو دیگر برای همان اعمال مجرمانه مورد تعقیب قرار داد، مشروط بر این که در صورت محکومیت، مجازات آن از سوی محکوم‌علیه تحمل شده یا در حال اجرا باشد و یا به موجب قوانین دولت صادرکننده حکم محکومیت، این مجازات دیگر قابل اجرا نباشد».<sup>۸۰</sup>

اجرای اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف همچنین در ماده ۵۰ نظامنامه حقوق بنیادین<sup>۸۱</sup> که در ۷ دسامبر ۲۰۰۰ در شهر نیس<sup>۸۲</sup> امضا و مبادله شد، مورد تأکید قرار گرفته است.

لذا به‌روشنی پیدا است که در اسناد تنظیم شده و مصوب میان دول اروپایی که نوعاً علایق، منافع و ذهنیت‌های مشترک آن‌ها، باعث نزدیکی بیش‌تر میان آن‌ها شده است، اصل منع محاکمه مجدد نیز به‌عنوان یکی از مسائلی که کشورهای اروپایی با آن روبه‌رو هستند، مورد توجه قرار گرفته و کنوانسیون‌های اروپایی با رویکرد پذیرش اصل ممنوعیت مجازات مضاعف تدوین شده، لکن اطلاق آن را محدود به شروطی کرده‌اند که شرط مندرج در آن‌ها ناظر بر فرض محکومیت متهم در محاکمه نخستین در محل وقوع جرم است. در چنین حالتی، مجازات موضوع حکم قطعی باید بر متهم اعمال شده باشد یا در حال اعمال باشد و یا این که مجازات به موجب حکم قطعی صادر شده باشد؛ لکن مطابق قوانین و مقررات دولت صادرکننده حکم محکومیت، موقعیت قانونی برای اجرا نداشته باشد.

لازم به ذکر است در میان اسناد و کنوانسیون‌های مذکور صرفاً موافقتنامه شنکن، اصل مذکور را در

---

78. The Convention between the Member States of the European Communities on Double Jeopardy, 1987.

79. خالقی، علی، پیشین، ص ۴۲۶ و ۴۲۷.

80. Article 54 of the Convention implementing the Schengen Agreement of 14 June 1985 between the Governments of the States of the Benelux Economic Union, the Federal Republic of Germany and the French Republic on the gradual abolition of checks at their common borders”:

“ A person whose trial has been finally disposed of in one Contracting Party may not be prosecuted in another Contracting Party for the same acts provided that, if a penalty has been imposed, it has been enforced, is actually in the process of being enforced or can no longer be enforced under the laws of the sentencing Contracting Party.”

81. The Charter of Fundamental Rights: “No one shall be liable to be tried or punished again in criminal proceedings for an offence for which he or she has already been finally acquitted or convicted within the Union in accordance with the law”.

82. Nice

❖ ۱۶۳ ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد ...

سطح بین دولت‌ها<sup>۸۳</sup> پذیرفته است. این در حالی است که سایر اسناد مذکور نوعاً اصل یادشده را در سطح فراملی<sup>۸۴</sup> شناسایی کرده‌اند.<sup>۸۵</sup>

#### ۴. منع مجازات مضاعف در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

بررسی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله اساسنامه دادگاه‌های موقت و موردی بین‌المللی، دیوان بین‌المللی کیفری و همچنین قوانین کیفری کشورهای مختلف، نشانگر آن است که مجازات مضاعف به خاطر عمل مجرمانه ارتكابی واحد، مخالف حقوق اولیه محکوم‌علیه و به دور از عدالت و انصاف شناخته شده است.

هرچند در عرصه جامعه بین‌المللی مسأله تقابل دو یا چند حاکمیت ملی و تعارض صلاحیت محاکم آن‌ها مطرح است و کشورها با اعمال صلاحیت مثبت و به موجب اصول مختلف صلاحیت در حقوق کیفری بین‌المللی، ممکن است خود را واجد صلاحیت قضایی دانسته، به تعقیب مرتکب و محاکمه و اعمال مجازات بر وی بپردازند، لکن در راستای رعایت حقوق محکوم‌علیه و ممانعت از تضییع حقوق وی در اعمال مجدد مجازات، اسناد مذکور با الزام دولت‌ها به ایجاد محدودیت در گستره اعمال اصل صلاحیت شخصی، تلاش می‌کنند اتباعی را که خارج از قلمرو سرزمینی دولت متبوع خویش مرتکب جرم می‌شوند، از تحمل مضاعف مجازات مصون نگه دارند.

بنابراین در این مجال، رویکرد اسناد بین‌المللی<sup>۸۶</sup> پذیرفته شده توسط کشورهای متعدد به موضوع مجازات مضاعف، که برخی از آن‌ها به اسناد الزام آور حقوق بشری مبدل شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۸۷</sup> که سند مشترک بشری و جامعه بین‌المللی است و در آن، شناسایی ذاتی کل خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌پذیر آنان، به‌عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح<sup>۸۸</sup> مورد توجه قرار گرفته و اصول برابری، منع تبعیض، آزادی، امنیت و برخورداری از حقوق گوناگونی که در خور شأن همه

83. inter-state level

84. intra-state level

85. GERARD CONWAY, Op.cit. 2003, P221.

۸۶. اسناد بین‌المللی به مفهوم خاص آن مورد نظر است و بررسی کلیه اسناد فراملی و منطقه‌ای، خارج از محدوده مورد نظر نگارندگان در این مقاله است.

۸۷. مصوب دهم سامبر سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۸۸. مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر.

انسانها است، صراحتاً بیان شده،<sup>۸۹</sup> از اصل منع مجازات مضاعف به صورت مستقیم ذکری به میان نیاورده است؛ لکن با توجه به الزام آور نبودن اعلامیه جهانی حقوق بشر، محتوای اعلامیه جهانی مذکور به صورت معاهدات و بخشی از آن در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مشمول بر ۵۳ ماده) و بخش دیگری از آن در قالب میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مشمول بر ۳۱ ماده) تقریر شده‌اند.<sup>۹۰</sup> در میثاق حقوق مدنی و سیاسی که یکی از دو سند مهم بین‌المللی موسوم به اسناد حقوق بشری است،<sup>۹۱</sup> به این اصل اشاره شده است. بند ۷ ماده ۱۴ سند مذکور که ترجمه آن عیناً در قانون الحاق ایران به میثاق بین‌المللی مذکور مصوب ۱۳۵۴ منعکس شده و صراحتاً بیانگر مفاد اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف است، مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان به خاطر جرمی که وی قبلاً به موجب یک حکم نهایی و براساس قوانین و آیین دادرسی یک کشور از ارتکاب آن تبرئه یا به خاطر آن محکوم شده است مجدداً مورد تعقیب یا مجازات قرار داد».

لازم به ذکر است تا سال ۱۹۹۹ تعداد ۱۴۴ کشور به میثاق مذکور ملحق و مطابق ماده ۴۹، میثاق یادشده از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شده است. بنابراین، قانون الحاق ایران به میثاق بین‌المللی مذکور و تصویب مفاد آن و پذیرش رعایت تعهدات موضوع ماده ۱۴ از جمله ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف، با رویه قانونگذار جمهوری اسلامی ایران حداقل در برخی حوزه‌ها تعارض دارد. البته برخی از استادان ایرانی حقوق جزا<sup>۹۲</sup> بر این عقیده‌اند که مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی تعارضی با مفاد بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ندارد؛ با این توضیح که ماده ۷ قانون مجازات اسلامی محاکمه و مجازات هر ایرانی را که در خارج مرتکب جرمی شود به شرط دسترسی به وی در ایران و مطابق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران قابل مجازات می‌دانند. لذا از آن جا که مقررات قانون الحاق ایران به میثاق مذکور نیز از جمله قوانین و مقررات کشور است، چنین متهمی را قابل مجازات نمی‌دانند. این نظریه به عقیده نگارندگان قابل نقد به نظر می‌رسد، زیرا اولاً قانون الحاق ایران به میثاق مذکور، قانونی مقدم و قوانین راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین ذکر شده در قسمت بررسی وضعیت قوانین ایران

۸۹. هاشمی، محمد، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴، ص ۶ - ۷.

۹۰. همان، ص ۱۵۳.

۹۱. میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ۱۹ دسامبر سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و پس از به امضا رسیدن سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق توسط کشورهای طرف میثاق، لازم‌الاجرا گردیده است. سند مزبور توسط نماینده تام‌الاختیار دولت ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ (۴ آوریل ۱۹۶۸) در نیویورک امضا شد و دولت ایران با تصویب «قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» در تاریخ ۱۳۵۱/۸/۲۳ توسط مجلس شورای ملی و نهایتاً تصویب مجلس سنا در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷، مشتمل بر یک ماده به ضمیمه متن میثاق، به آن ملحق گردید.

۹۲. میرمحمد صادقی، حسین، *تقریرات درس حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، سال تحصیلی ۸۴-۸۵.

بعد از انقلاب اسلامی، قوانین لاحق و مؤخرالتصویب هستند. لذا چنانچه بپذیریم که مطابق مفاد ماده ۹ قانون مدنی، قوانین الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی در حکم قوانین داخلی هستند، نسخ ضمنی قانون سابق به موجب قوانین لاحق درخصوص مجازات مضاعف، امری طبیعی و پذیرفته شده است. اما در پاسخ به این نقد نیز برخی از استادان، به اعتبار فوق قانونی بودن و اهمیت میثاق و مقررات آن و تعهدات مافوق قوانین داخلی ایران به میثاقین اشاره و استناد می‌کنند؛ لکن باید توجه داشت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بر خلاف قانون اساسی مشروطه یا قوانین برخی کشورها) و مفاد ماده ۹ قانون مدنی و سایر قوانین داخلی، این‌گونه اعتبار فرا دستی را برای تعهدات بین‌المللی پیش‌بینی و مقرر نکرده‌اند.

## ۲-۴. اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی موردی<sup>۹۳</sup>

اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق،<sup>۹۴</sup> رواندا<sup>۹۵</sup> و سیرالئون<sup>۹۶</sup> که دیوان‌های کیفری موردی یا ویژه به حساب می‌آیند، در دهه پایانی قرن بیستم توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تعقیب جنایتکاران و مجرمان جنگی یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل و اساسنامه‌های آن‌ها به ترتیب در ۲۵ می سال ۱۹۹۳ و ۸ نوامبر ۱۹۹۴ تصویب شدند و متعاقباً دو دیوان یوگسلاوی و رواندا فعالیت خود را در شهرهای لاهه هلند و آروشای تانزانیا آغاز کردند. اساسنامه‌های مزبور به‌طور مشابهی صراحتاً اصل محاکمه و مجازات مضاعف را پیش‌بینی و در مواد (۳) ۱۰<sup>۹۷</sup> و (۳) ۹ از اساسنامه خود به این اصل اشاره کرده و محاکمه مجدد کسی را که در این دو دیوان محاکمه شده باشد در محاکم داخلی ممنوع اعلام کردند. همچنین به موجب اساسنامه دیوان‌های مذکور، محاکمه و مجازات کسانی که در یک دادگاه داخلی محاکمه

93. ad hoc tribunals

94. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, UN Doc. S/RES/827 (1993).

95. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, UN Doc. S/RES/955 (1994).

96. Statute of the Special Court for Sierra Leone.

97. Statute of the ICTY: *Non bis in idem*

1. No person shall be tried before a national court for acts constituting serious violations of international humanitarian law under the present Statute, for which he or she has already been tried by the International Tribunal.

2. A person who has been tried by a national court for acts constituting serious violations of international humanitarian law may be subsequently tried by the International Tribunal only if:

a. the act for which he or she was tried was characterized as an ordinary crime; or

b. the national court proceedings were not impartial or independent, were designed to shield the accused from international criminal responsibility, or the case was not diligently prosecuted.

3. In considering the penalty to be imposed on a person convicted of a crime under the present Statute, the International Tribunal shall take into account the extent to which any penalty imposed by a national court on the same person for the same act has already been served.

شده باشند، در دیوان‌های بین‌المللی ممنوع است، مگر آن که اتهام این افراد در دادگاه داخلی مبتنی بر ارتکاب یک جرم عادی - و نه یک جرم بین‌المللی - بوده یا این که محاکمه داخلی، با دقت و به صورت بی‌طرفانه یا مستقل انجام نشده باشد و مقصود از آن، صرفاً رهایی بخشیدن متهم از مسئولیت کیفری بین‌المللی و جلوگیری از محاکمه در دیوان‌های کیفری بین‌المللی باشد. البته در صورت وقوع فرض‌های اخیر نیز دیوان‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا باید در هنگام تعیین مجازات، مجازات‌هایی را که متهم قبلاً به موجب حکم یک دادگاه کیفری داخلی برای همان عمل مجرمانه متحمل شده مورد توجه قرار داده و در میزان مجازات تأثیر دهند.<sup>۹۸</sup> در پرونده «باگاسورا»<sup>۹۹</sup> که در دیوان کیفری رواندا مطرح بود، تقدم یک تعقیب و محاکمه ملی (داخلی) در نظام کیفری و دادگاه‌های بلژیک بر تعقیب دیوان بین‌المللی کیفری به اتهام نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت مورد استناد و پذیرش دیوان قرار گرفت.<sup>۱۰۰</sup> همچنین یکی از متهمان دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به نام «تادیچ»<sup>۱۰۱</sup> از جمله افرادی بود که در مقابل دیوان مزبور به اصل منع محاکمه مجدد استناد و به دلیل تعقیب کیفری توسط دادگاه‌های آلمان، قبل از انتقال به مقر دیوان به صلاحیت دیوان اعتراض کرد؛ لکن اعتراض و ایراد وی به صلاحیت دیوان به این دلیل که هنوز در محاکم آلمان محاکمه نشده بود از سوی دیوان رد شد و اعلام گردید که در صورت محاکمه وی در این دیوان بین‌المللی، هیچ دادگاه داخلی به استناد اصل منع محاکمه مجدد حق محاکمه دوباره وی را ندارد؛<sup>۱۰۲</sup> امری که مطابق مقررات اساسنامه دیوان صحیح به نظر می‌رسد.

### ۳-۴. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۱۰۳</sup>

در هفدهم ژوئیه سال ۱۹۹۸ میلادی، ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور حاضر در کنفرانس دیپلماتیک رم، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را امضا کردند. این در حالی بود که ۳۳ سازمان بین‌الدولی و ۲۳۶ سازمان غیردولتی نیز در کنفرانس مزبور شرکت داشتند. بدین ترتیب، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، متشکل از سیزده فصل و ۱۲۸ ماده به تصویب رسید و با الحاق بیش از ۶۰ کشور به آن در ۱۱ آوریل سال ۲۰۰۲ یعنی نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز از تاریخ تودیع شصتمین سند الحاق، لازم‌الاجرا شد. دادگاه مزبور قریب یک سال بعد از این تاریخ با انتخاب قضات، دادستان و سایر مقامات دادگاه عملاً و رسماً در مقر آن (شهر

98. Gerard Conway, *op.cit.*, p. 352-353.

99. Prosecutor v. Bagasora (Case no. ICTR-96-7-D), Decision, 17 May 1996.

100. Gerard Conway, *op.cit.*, p. 362-363.

101. Prosecutor v. Tadic (Case no. IT-94-1-T), Decision, 14 November 1995.

102. Gerard Conway, *op.cit.*, p. 361-363.

103. Rome Statute of the International Criminal Court / Statut de Rome de la Cour pénale internationale (see: [www.UN.org/icc/statute](http://www.UN.org/icc/statute)).

لايه کشور هلند) آغاز به فعاليت کرد. نگاهی به مواد اساسنامه دادگاه مذکور مؤيد اين مطالب است که:

۱. به موجب بند «ب» ماده ۲۱ اساسنامه مذکور، اصول و قواعد حقوق بين الملل و اصول کلی حقوقی استخراج شده از نظامهای حقوقی جهان، جزء حقوق قابل اجرا از سوی دیوان بين المللی کیفری تلقی می شود و از آنجا که اصل منع مجازات مضاعف در حال حاضر از جمله اصول و قواعد حقوق کیفری بين المللی به شمار می رود، می تواند جزء حقوق قابل اجرا در دیوان بين المللی کیفری باشد.

۲. ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه مزبور به لحاظ تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بين المللی کیفری، موضوعات و مواردی را که توسط دولت واجد صلاحیت، مورد تحقیق یا تعقیب بوده یا قرار منع تعقیب در خصوص آنها صادر گردیده است از صلاحیت دیوان بين المللی کیفری خارج می داند و غیرقابل پذیرش برمی شمرد.<sup>۱۰۴</sup>

۳. علاوه بر دو ماده فوق الذکر، ماده ۲۰ اساسنامه<sup>۱۰۵</sup> نیز ضمن پذیرش اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف، صراحتاً در سه بند، موارد عدم امکان محاکمه مجدد متهم را در صورتی که قبلاً محاکمه و تبرئه یا محکوم شده باشد احصا و به برخی استثنای آن نیز اشاره کرده است:

**حالت اول)** بند یک ماده ۲۰ اساسنامه صراحتاً مقرر کرده است: «هیچ کس را نمی توان در ارتباط با جرمی که قبلاً در دیوان بين المللی کیفری به خاطر آن محاکمه و در نتیجه محکوم یا تبرئه شده باشد، مجدداً در این دادگاه محاکمه کرد». استثنای وارد بر این اصل (منع محاکمه مجدد) صرفاً موضوع اعاده دادرسی است که در ماده ۸۴ اساسنامه پیش بینی شده و به محکوم علیه، همسر، فرزندان، والدین یا وصی محکوم علیه و یا دادستان اجازه می دهد که در سه حالت ذیل اقدام به اعاده دادرسی در دیوان بين المللی کیفری کنند:

---

۱۰۴. میرمحمدصادقی، حسین، پیشین، ص ۳۶.

**105.** Article 20 : ne bis in idem

1. Sauf disposition contraire du présent Statut, nul ne peut être jugé par la Cour pour des actes constitutifs de crimes pour lesquels il a déjà été condamné ou acquitté par elle.
2. Nul ne peut être jugé par une autre juridiction pour un crime visé à l'article 5 pour lequel il a déjà été condamné ou acquitté par la Cour.
3. Quiconque a été jugé par une autre juridiction pour un comportement tombant aussi sous le coup des articles 6, 7 ou 8 ne peut être jugé par la Cour que si la procédure devant l'autre juridiction:
  - a) Avait pour but de soustraire la personne concernée à sa responsabilité pénale pour des crimes relevant de la compétence de la Cour ; ou
  - b) N'a pas été au demeurant menée de manière indépendante ou impartiale, dans le respect des garanties d'un procès équitable prévues par le droit international, mais d'une manière qui, dans les circonstances, était incompatible avec l'intention de traduire l'intéressé en justice.

۱. کشف ادله جدیدی که در زمان محاکمه در دسترس نبوده است و این عدم دسترسی نیز منتسب و مربوط به متقاضی اعاده دادرسی نبوده باشد. ضمن این که اهمیت ادله جدید آن چنان باشد که در صورت ارائه در خلال دادرسی منجر به صدور رأی مغایر با آنچه اکنون صادر شده است می‌گردد.
۲. کشف و احراز جعلی یا خلاف واقع و غیرحقیقی بودن ادله اثبات و مستندات و مدارکی که حکم محکومیت محکوم علیه مبتنی و متکی بر آن‌ها بوده است.
۳. احراز تخلفات قضاتی که حکم محکومیت متهم را صادر کرده‌اند که این تخلفات در حدی بوده است عزل آن‌ها را بر مبنای ماده ۴۶ اساسنامه ایجاب کند.<sup>۱۰۶</sup>

**حالت دوم)** بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه، محاکمه مجدد متهمی را که به خاطر ارتکاب یکی از جرائم مندرج در ماده ۵ اساسنامه - که در مقام احصای جنایات داخل در صلاحیت دادگاه اعم از نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز ارضی برآمده است - در دیوان بین‌المللی محاکمه و محکوم یا تبرئه شده است، در سایر دادگاه‌ها اعم از دادگاه‌های داخلی کشورها منع کرده است. طبعاً مستنبط از ماده مذکور، ممنوعیت محاکمه مجدد شخصی است که در دیوان بین‌المللی کیفری به اتهام ارتکاب یک یا چند مورد از جرائم مذکور محاکمه شده است. به‌عنوان مثال، تبرئه متهم در دادگاه بین‌المللی به لحاظ فقدان قصد خاص در اتهام انتسابی نسل‌کشی، مانع محاکمه وی به اتهام ارتکاب جرائم عادی از قبیل قتل عمدی یا ایراد ضرب و جرح عمدی در دادگاه‌های داخلی نخواهد بود.<sup>۱۰۷</sup>

**حالت سوم)** مطابق بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه، متهمی که به خاطر ارتکاب یکی از اعمال و رفتارهای مجرمانه مندرج در اساسنامه و داخل در صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری در یک دادگاه کیفری داخلی محاکمه شده است، در دیوان بین‌المللی کیفری برای همان عمل و رفتار مجرمانه مورد تعقیب و محاکمه قرار نمی‌گیرد، مگر این که دادرسی در دادگاه‌های داخلی به منظور رهانیدن شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری بین‌المللی انجام شده یا به طور مستقل و بی‌طرفانه و با قصد اجرای عدالت نسبت به آن شخص صورت نگرفته باشد.

لازم به ذکر است هرچند برخی از نویسندگان،<sup>۱۰۸</sup> عدم الزام دیوان بین‌المللی کیفری به احتساب مجازات مقرر در دادگاه ملی را از ایرادهای وارد بر اساسنامه دیوان دانسته و آن را از موجبات نقض اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف برشمرده‌اند، به نظر نگارندگان با عنایت به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، مفاد اصل ممنوعیت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد توجه قرار گرفته و رعایت شده است. بنابراین، چنانچه جریان دادرسی در دادگاه‌های داخلی با رعایت اصول و ضوابط صورت پذیرد و خللی در آن وارد نباشد، اصولاً

۱۰۶. میرمحمدصادقی، حسین، پیشین، ص ۵۰ - ۵۲.

۱۰۷. همان، ص ۵۲.

۱۰۸. حبیب‌زاده، محمد جعفر، محمدعلی اردبیلی و مجتبی جانی‌پور، «قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری بین‌المللی»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، شماره پیاپی ۴۱، سال نهم، بهار ۱۳۸۴.

ورود دیوان بین‌المللی کیفری و رسیدگی مجدد به جرائم ارتكابی به دلیل صلاحیت تکمیلی این دیوان منتفی است، لکن چنانچه دادرسی صورت گرفته در دادگاه داخلی مخدوش و غیر واقعی یا بدون رعایت اصل بی‌طرفی و صرفاً جهت رهانیدن متهم از مسئولیت کیفری بین‌المللی باشد، طبعاً اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی و محاکمه متهم منافاتی با اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف ندارد؛ زیرا اولاً محاکمه نخستین به طور صحیح صورت نگرفته و در نتیجه مجازات تعیین شده در حکم نخستین - به فرض محکومیت متهم - نیز مخدوش و مورد ایراد است و قابل احتساب به نظر نمی‌رسد. ثانیاً هر اصل حقوقی، هر چند کلی و مطلق نیز ممکن است استثنائاتی داشته باشد که موضوع فوق می‌تواند از جمله استثنائات اصل احتساب یا اصل ممنوعیت به شمار رود. ضمناً برخی نویسندگان در حقوق خارجی تفاوت‌های دیگری نیز میان مفاد اساسنامه دادگاه‌های ویژه با اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از حیث پذیرش اصل مذکور و شرایط آن بر شمرده‌اند که تفصیل آن از موضوع این بحث خارج است.<sup>۱۰۹</sup>

## ۵. نتیجه‌گیری

مفهوم فراملی مجازات مضاعف با رویکرد ممنوعیت اعمال آن، یکی از اصول بنیادین حقوق بشر و از ارکان دادرسی منصفانه و حقوق متهم به شمار می‌رود. اصلی که به ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف شهرت یافته است، در پی تأمین یکی از اهداف مهم حقوق کیفری بین‌المللی، یعنی جلوگیری از مجازات چندباره متهم به دلیل ارتکاب یک عمل مجرمانه در حوزه حاکمیت چند کشور مختلف یا حوزه صلاحیت دادگاه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی است. بنابراین با توجه به مطالعه انجام شده در مقاله حاضر، نتایج ذیل قابل استخراج و ارائه است:

۱. اسناد بین‌المللی و فراملی و اساسنامه دادگاه‌های ویژه و بین‌المللی، بر مبنای پذیرش اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف تدوین شده‌اند و استناد به این اصل در پرونده‌های مطروح در دیوان‌های مذکور با احراز شرایط مربوط، مورد استماع و پذیرش قرار گرفته است؛ هر چند در برخی موارد استثنائاتی نیز به اصل وارد شده و در چارچوب‌های مشخص نیز پذیرفته شده است.
۲. مرور قوانین و مقررات مصوب در ایران، نشانگر آن است که در مواجهه با موضوع مجازات مضاعف در ادوار قانونگذاری، رویه و سیاست قضایی همگون و همسانی اتخاذ نشده و فراز و نشیب‌هایی مشاهده می‌شود.
۳. مقنن ایرانی قبل از انقلاب اسلامی در دهه ۵۰ شمسی با اصلاح قانون مجازات عمومی، رویکرد ممنوعیت اعمال محاکمه و مجازات مضاعف را با وضع قیود و شروطی برگزید و با الحاق به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، خود را پایبند به تعهدات بین‌المللی پیرامون موضوع کرد.

---

109. Gerard Conway, *op.cit.*, p. 357-361.



۴. پس از انقلاب اسلامی، مقنن که از طرفی دغدغه تطبیق قوانین و مقررات را با شرع انور اسلامی داشته و از طرف دیگر با گرایش به عدم اعتبار احکام دادگاه‌های خارجی، لحن تقنین و موضع خود را اعمال محاکمه و مجازات مضاعف قرار داده، با اتخاذ این رویکرد و نگرانی از دامن زدن به تعارض‌هایی میان مواضع حقوق داخلی و اصول حقوق بین‌الملل و ضرورت رعایت اصول و قواعد فقهی، حدود و صغور اعمال محاکمه و مجازات مضاعف را محدود کرده است؛ هرچند گستره این استثنا و تضییق در لایحه جدید مجازات اسلامی، در محدوده جرائم مشمول تعزیرات است که در نوع خود قابل توجه است.

۵. بر خلاف نظر برخی حقوقدانان کیفری، پذیرش مطلق و بدون چارچوب اصل مذکور، مطلوب و قابل توصیه نیست؛ موضوعی که کشورهای خارجی و اعضای اتحادیه اروپا نیز به آن تن درن داده‌اند. لکن نفی مطلق آن نیز به عمیق شدن تعارض‌ها و اختلاف‌نظرها میان موضع جامعه بین‌المللی و رویکرد حقوق داخلی می‌انجامد و به نقض حقوق متهم در فرایند دادرسی منتهی می‌شود.

۶. کاهش تعارض و ایجاد قرابت میان موضع اسناد بین‌المللی و فرامنطقه‌ای و قانونگذاری ایران، دست نیافتنی نیست؛ همچنان که قانونگذار در دهه هشتاد شمسی و با تصویب برخی موافقتنامه‌های قضایی ولو در سطح محدود و تصویب لایحه جدید مجازات اسلامی، گام‌هایی را نیز به این سمت و سو برداشته است. لکن اعمال برخی ظرافت‌ها در لحن و ادبیات قانونگذاری و تدوین قوانین و مقررات اصلاحی یا جدید و تبیین برخی استثنائات مورد نظر قانونگذار ایران بر اصل مذکور، مانند خروج جرائم مستوجب قصاص و حدود از محدوده آن - که نفس اعمال استثنائات، در اسناد بین‌المللی موضوع بحث پذیرفته شده می‌باشد - روند رفع و تبیین تعارض‌ها و تقریب مواضع حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی را با رعایت ملاحظات شرعی، تسهیل و منطقی‌تر خواهد کرد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- پوریافرانی، حسن، «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ش ۱۲، سال چهارم، بهار ۱۳۸۱.
- ۲- صفاری، علی، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰.
- ۳- کاوادینو، میشل و دیگران، جیمز، «توجیه یا دلیل آوری برای مجازات ۱ و ۲»، ترجمه صفاری، علی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۴۲ و ۴۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.
- ۴- صفاری، علی، «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، مجموعه مقالات جرم‌شناسی و کیفرشناسی، بخش نخست، فصل چهارم.
- ۵- خالقی، علی، «محتوا و جایگاه قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مقاله منتشره در: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۳.
- ۶- میرمحمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۷- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۴.
- ۸- حجتی، سید مهدی و باری، مجتبی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میثاق عدالت، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۹- موسوی، عباس، حقوق جزای عمومی، ج اول، تهران، نشر خیام، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۰- اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) تهران، مجلس شورای اسلامی، شماره چاپ ۱۲۸، ۱۳۷۸.
- ۱۱- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه مجازات اسلامی، تهران، مرکز پژوهش‌ها، شهریور ۱۳۸۷.
- ۱۲- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۴.
- ۱۳- میرمحمد صادقی، حسین، تفریرات درس حقوق جزای بین‌الملل، تهران، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، سال تحصیلی ۸۴-۸۵.

### منابع انگلیسی

- 1- Mansour Rahmdel, "The Ne Bis in Idem Rule in Iranian Criminal Law", *Journal of Financial Crime*, Vol 11, No 3, 2004.

- 2- Zhang Jun, Shan Changzong, Miao Youshui, "China's theory and practice on Ne Bis In Idem", *International Review of Penal Law*, vol. 73, 2005, p865-872.
- 3- Hans-Jürgen BARTSCH, " NE BIS IN IDEM: THE EUROPEAN PERSPECTIVE ", *International Review of Penal Law* Vol. 73, Gerard Conway, "Ne bis in idem in international law", *International Criminal Law Review*, vol3, 2003.
- 4- Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia , UN Doc. S/RES/827 (1993).
- 5- Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, UN Doc. S/RES/955 (1994).
- 6- GERARD CONWAY, "NE BIS IN IDEM AND THE INTERNATIONAL CRIMINAL TRIBUNALS", *Criminal Law Forum*, vol. 14, 2003.
- 7- Prosecutor v. Tadic (Case no. IT-94-1-T), Decision, 14 November 1995.
- 8- ROME STATUTE OF THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT / Statut de Rome de la Cour pénale internationale (see: [www.UN.org /icc/statute](http://www.UN.org /icc/statute)).